

ملاقات نماینده اول تهران با میلپو

دانشه که برای کسر مخارج دولتی در هر ماه ۳۲۰ هزار تومان که اگر بیول امروز مقایسه کنیم چند میلیون میشود با ما می رسید ولی در این جنگ بجای اینکه باین ملت که از هیچ چیز در راه پیروزی آنها خودداری نکرد کمک کنند از ما کمک میخواهند اگر ورود پاران و تصرف راهها و راه آهن و تأسیسات تلفن و بی سیم بر طبق ماده ۳ پیمان برای آنها قضیه حیاتی است گرفتن «ریال» از ما فقط بستله خراج و از نظر اقتصاد است و هیچ چیز غیر از جلب منفعت متفقین را و ادار نکرد که از ما ریال بخواهند عجیباً که بانک شاهنشاهی (شرکت سهامی انگلیسی) از نزول و انتشار اسکناس زائد از احتیاج مملکت خودداری کرد ولی «بانک ملی ایران» شرکت سهامی منحصر بفرد دولت بواسطه انتشار ۵۲۰ میلیون تومان اسکناس تا فروردین ۱۳۲۳ مخارج زندگی را بده برابر کسر و الا مثل جنگ گذشته لیره و دلار فوق العاده تنزل میکرد من نمیخواهم که دکتر میلپو بروی میخواهد که برخلاف قوانین چیزی نخواهد و بر خلاف مصالح ماسکوت و یا اقدامی نکند این است که از جناب آقای نخست وزیر استوالمی کم اختلاف نظری که راجع بنظارت دولت در قانون ۱۳ اردیبهشت ۲۲ بین دولت و آقای دکتر میلپو بود بجه طریق حل شده است که با قانون اساسی مخالف نباشد...

نایب رئیس - برای آقای نخست وزیر ارسال میشود.

دکتر میلپو چون توجه پیدا کرد که مخالفت منطقی نماینده اول تهران برای او گران تمام خواهد شد و عنقریب در انرفشار افکار عمومی مجبور میشود

ملاقات دکتر مصدق و میلپو

که خود و یارانش ایران را ترک نمایند در صد افتاد که از آقای دکتر مصدق ملاقات و با وعده اصلاحات او را از مخالفت باز دارد. این ملاقات بدعت یکی از نمایندگان صورت گرفت و عملی شد. در این ملاقات راجع بسهمیه کالای سال ۱۹۴۳ که کمیته خاور میانه برای ایران معین کرده و در روزنامه «عصر اقتصاد» بآن اشاره شده بود دکتر مصدق بیاناتی نمود و مسامحه دکتر میلپو را در این امر مهم تشریح و بسمع نمایندگان مجلس رسانید که از روزنامه «اطلاعات» شماره ۵۵۲۵ مورخ سوم مرداد ۱۳۲۳ عیناً نقل میشود:

آقای دکتر مصدق - در این مدت شکایات زیادی از ولایات راجع بآیین نامه مازاد غله رسیده بود که بنده هر چه سعی کردم جواب درستی بآنها بدهم میسر نشد. اد دکتر میلپو بجای آنکه آیین نامه گذشته را در مورد مازاد غله اصلاح کند آیین نامه دیگری صادر نموده که در روزنامه «ندای عدالت» درج شده و بنده متن آنرا قرائت می نمایم (متن آیین نامه را خواندند) آقایان نمایندگان محترم میدانند که قانون ۲۱ آبانماه ۱۳۲۱ در ماده هشتم ضمن اختیاراتی که بدکتر میلپو داده است برای دولت هم اختیاراتی معین نمود یعنی در متن آن ماده نوشته شده است که «دکتر میلپو در تحت نظارت وزیر دارائی و نخست وزیر خواهد بود» بنده نمیدانم دکتر میلپو بانکای چه قانونی این عملیات را میکند؟ اگر مجلس شورای ملی از ماده هشتم بطوری استنباط می کند که دکتر میلپو تحت نظارت وزیر دارائی و رئیس الوزرا است که باید با صلاحدید و مشورت آنها اقدام کند و اگر اینطور نیست این آیین نامه هائی را

که منتشر میکند منگی بچیت و چه صورتی دارد ؟

پس از اظهارات فوق آقای دکتر مصدق لایحه زیر را قرائت نمود :

سؤالسی که در ۱۵ تیر ماه ۱۳۲۳ از آقای ساعد مراغه ای نفیست وزیر راجع باخترارات دکتر ملبو و چگونگی تطبیق آن اختیارات با قانون اساسی- نمودم تصادف نمود با تقاضای ملاقاتی که آقای دکتر ملبو و توسط یکی از آقایان نمایندگان از من نبود بود که در روز شنبه ۱۷ تیر ماه برای اولین دفعه این ملاقات بین ما دست داده دکتر خواستند که من چند نفر از نمایندگان را اسم ببرم تا هر وقت که لازم شد با ما مشورت کنند چون این امر موجب عدم رضایت سایر نمایندگان میشد گفتم که تشکیل چنین هیئتی صلاح نیست و ایشان میتوانند با هر کس که عقیده دارند مشورت کنند و از نظریات اشخاص بیترض دراموری که انجام آنرا عهده دارند استفاده نمایند - بعد نظریات مرا در امور جاریه خواست و من نظارت دولت را در قانون ۱۳ اردیبهشت ۱۳۲۲ واجب شمردم و گفتم که چون قانون مزبور راجع بامور اقتصادیست آیا نظارت دولت سبب نمیشود که در امور بطنی حاصل شود و ضررهائی از اینجهت متوجه گردد ؟

گفتم که در امور تجارت و اقتصاد هیچکاری از امور بانکی سریع تر نیست با اینحال می بینم که اسناد و نوشتجات را مدیر کل و یکی از اعضای هیئت عامل هر دو امضاء مینمایند و در شرکت های سهامی هم اتخاذ تصمیمات با یکتفر نیست و منوط برای هیئت مدیره است و امضای وزیر چیزی نیست که موجب تأخیر امور شود - دکتر با تصدیق نظریات من گفتند اگر وزیر با من موافق نبود چه باید کرد ؟ و من باب مثل گفتم کسی خرد من بود که میخواستم وزیر بیاید و در مذاکرات شرکت کند ولی وزیر نیامد من با او نخواستم بگویم که وزیر کار خوبی را کرد. اگر برای سرعت کار شما بتوانید وزیر را احضار کنید اعضای مادون شاهپروی همین اصل باید شما را احضار نمایند فقط بدکتر گفتم اگر وزیر در اصول با شما موافق نشد شما میتوانید از دوره به مقصود خود برسید یا نظریات و اعمال او را افشاء کنید و این بهترین راهی است که میشود یک وزیر را اصلاح کرد و یا اینکه از عدم موافقت وزیر با خودتان دولت و مجلس را مطلع نمائید البته برای اینکه شما در انجام وظائف خود موفق شوید آنها از وزیر می گنزند و این به از آن است که شما برخلاف قانون اساسی اختیاراتی اعطا نمایند اینها بود مذاکرات ما که منتج بتیجه نشد و از هم جدا شدیم.

نظریات اینکه از تاریخ سؤال که از نخست وزیر نموده ام ۱۵ روز میگذرد و بهیچوجه نخواستند خود را سؤال من آشنا کنند و برای جواب در مجلس حاضر شوند و نظریات اینکه در اوضاع تغییراتی که بوی اصلاح بشام ما برسد نیست و سکوت بر خلاف وظایفی است که قانون برای ما تعیین نموده و نظریات اینکه نمایندگان قسم یاد نموده اند مادام که حقوق مجلس و مجلسیان محفوظ است تکالیف خود را با کمال درستی و راستی انجام دهند این است که که بعضی از مطالب که فوریت و اگر امروز در مجلس تذکره می کنند عرض میسرانم تا به بینم نمایندگان که قسم یاد نموده از جهت اینکه حقوق مجلس و مجلسیان محفوظ نیست تا چه اندازه بقسم و حفظ قول و شرافت معتقدند و برای حقوق از دست رفته مجلس که قانون گذار است و مسئولیت وزراء در مقابل مجلس که دوره ۱۳ تنبیه برخلاف قانون اساسی بلیسبو انتقال داده است چه میکنند - شد الامتعان

عدم استفاده از سهمیه  
کمیته خاورمیانه

اول - روزنامه «عصر اقتصاد» در شماره ۱۱۹ -  
۱۱۵ تیر ماه تحت عنوان «سهمیه کالا» می نویسد :

چنانکه با اطلاع عموم رسیده است از سهیبه سال ۱۹۴۳ که کمیته خاورمیانه برای ایران معین کرده بود در حدود ۴۰ هزار تن استفاده نشد و بقراریکه شنیده میشود امسال نیز از سهیبه ۶ ماهه اول سال ۱۹۴۴ مقدار ۱۳ هزار تن استفاده نشده است. ما نمی دانیم بچه علت بازهم در ۶ ماه اول سال از سهیبه قلیلی که برای ایران معین شده ۱۳ هزار تن سفارش داده نشده و بناسبت گذشتن مدت استفاده نخواهد شد یا تذکراتی که نسبت به سهیبه سال گذشته داده شد و بعلت وارد نشدن جنس کافی بایران هزینه زندگی تا حد طاقت فرسائی ترقی نموده - نمی دانیم چرا نسبت با استفاده از تمام سهیبه ۶ ماهه اول سال ۱۹۴۴ بازهم سهل انگاری شده است و چرا دولت مراقبت نکرده است که از تمام سهیبه استفاده شود.

موضوع دیگری که قابل تذکره میباشد این است که ورود جنس بوسیله کلی بست از کشور امریکا برای عموم کشور های خاورمیانه آزاد شده و هنوز این اجازه را بایران نداده اند، ورود جنس بوسیله کلی بست بایران باید با اجازه کمیته خاور میانه باشد در صورتی که اجازه برای وارد کنندگان سایر کشور های خاور میانه ضرورت ندارد دویم - از طرف رئیس اداره غله تهران اعلانی در ۲۷ تیر ماه باین مضمون منتشر شده « با اطلاع عموم ساکنین محترم طهران میسراند که حمل غله (گندم، جو و آرد) بهر وسیله بتهران ممنوع است ».

عقیده من اینست که این اعلان برخلاف صلاح مردم دولت هر دو میباشد فرض کنیم که برای مصرف شهر تهران ۱۰۰ تن غله لازم باشد اگر ورود جنس بشهر آزاد شد خود مردم مقدار زیادی وارد می کنند و منافع این کار بیشمار است :

(۱) - دولت از زحمت تهیه این مقدار تنان برای اهل شهر معاف میشود و در مضارح صرفه جویی خواهد شد.

(۲) - چون وسایل نقلیه دولت کم است هر قدر که مردم حمل کنند از باربری دولت بهمان نسبت میکاهد.

(۳) - اگر ورود جنس آزاد نشود باز مردم جنس خود را با همان وسایل نقلیه دولت که مصون از تعرض است حمل می نمایند بدون اینکه دیتاری از بابت کرایه عاید دولت گردد.

(۴) - در صورت ندادن جواز چون جنس بطور قاچاق وارد میشود کرایه گران خواهد شد و قیمت ترقی میکند و اخلاق عمومی مخصوصاً مستخدمین دولت فاسد خواهد شد.

سیم - راجع بازاد، گرچه زارعین ملک من مشمول مازاد نمیشوند چون مسکن است که مفرضین بگویند دفاعی که مالک از زارع میکند از نظر منافع مالکانه می باشد لازم است برای توضیح مطالبی را عرض کنم: بر طبق آئین نامه میلسپو مازاد بزراعی تعلق میگیرد که ۴ پنجم از محصول باو تعلق دارد و این هم ارفاقی نیست که از طرف مالکین بزراعین شده - باشد بلکه از نظر این است که در حضاط دیم زار زحمت زارع از تسطیح ملک و شخم و درو براتی بیش از تقاطعی است که زراعت بآب مشروب میشود و بعضی از سالها بواسطه خشک سالی محصول دیم از بین میرود لذا مالکین از نظر منافع خودشان سهم زارعین را بیشتر - میدهند تا ملک لم یزرع نماند و زارع بتواند در سال آمد، جبران سال نیامد را بکند معمولاً بزراعی که صاحب بکفرد است از زراعت دیم و یا آبی در سال ۴ خروار غله بیشتر نمیرسد و با وضعیت امروز و ترقی روز افزون زندگی این مقدار چیزی نیست که بآن مازاد تعلق گیرد.

شکایات مردم از دستگیر میلیتاری

مردم از اوضاع نا راضی و از مجلس دست و هر گروه شکایت‌هایی دارند و تا کنون هم جواب صحیح‌السکونتی نشنیده‌اند.

مردم میگویند سال گذشته بگذرند داشتن پول دگر ۴ هزار تن کالا وارد نکرد و مبلغ مہمی بعبادات دولت از بابت حقوق گمرکی ضرر رساند و قیمت قند و قماش را که از ضروریات زندگی است بجائی رساند که دست متوسطین هم بآنها نرسید ما تصور میکردیم که در سال ۱۹۴۴ این کار تکرار نشود حال می بینیم که از سهمیه ۶ ماهه اول سال ۱۹۴۴ هم ۱۳ هزار تن کالا وارد نشده و از دست رفته است. اگر متفقین برای ایران سهمیه داده‌ولی دگر از تحویل و حمل خودداری نموده است چه خیانتی بالاتر از آن که باین جامعه نموده و چه ضرری از این بالاتر که باین جامعه نموده و چه ضرری از این بیشتر که بخرزانه مملکت رسانیده است و اگر متفقین از تحویل دادن سهمیه امتناع نموده‌اند باز دگر بوظائف خود عمل ننموده‌است زیرا او مستخدم این دولت و حقوق بگير از خزانة این ملت است باید قضیه را گفته باشد تا مردم بدانند که با این فداکاری دچار چه بدبختی شده‌اند و مجلس و دولت در صدد علاج برآیند.

تجار میگویند انحصار قند و قماش که در نفع ایران نیست موقوف کنید و بیا اجازه دهید که کالا وارد کنیم تا رقابت سبب ارزانی شود والا جنس قاچاق وارد میشود متولین آنرا میخرند و قسمتی از منافع وارد کنندگان عاید ممالک دیگر میشود.

زارعین میگویند مازادی که بدولت بفروشیم نداریم در این وقت که قیمت یکغزوار گندم مساوی با ۲ من قند شده دولت ما را گرفتار مأمورین تشخیص و وصول مازاد میکند آیا سزاوار است که ما دچار توقعات این اشخاص باشیم و نان یکساله خود را صرف پذیرائی و قلق آنها کنیم. بواسطه تنزل پول قیمت‌ها بالا رفته و برخی را که دولت معین کرده برای زارع عادلانه نیست. زارعی که دارای یک فرد گاو است اگر گاویش مرد به قیمت تمام محصول خود بنرخ دولت نمیتواند یک گاو بخرد.

مالک میگویند خریدار بزرگ غله در ایران شهر تهران است برای اینکه با متفقین رقابت نکنند و آنها غله را بنرخ رسمی تمام نمایند دگر سال گذشته اجازه نداد که غله وارد طهران شود ولی ملاحظه نمود که ساکنین منسکن برای حفظ جان خود غله قاچاق را که بیشتر با کامیون‌های دولتی حمل میشد بقیمت گزاف خریدند و حتی خود آقای دکتر بفر از آرد قاچاق از نان سیلو استفاده نمودند پس امسال بگذارید که هر کس می‌تواند چسب وارد کند و رقابت سبب ارزانی و خوبی نان شهر شود و از این راه به بهداشت عمومی خدمتی شود.

این‌هاست شکایتهایی که مردم از دگر دارند و منتظرند که مجلس احقاق حق آن‌ها را بکند. آن‌هایی که می‌گویند هر کس بامیلیتاری و مخالفت کند یعنی بشکایات مردم ترتیب اثر بدهد بملکت خیانت می‌نماید در اشتهاند راجع بایشان من در دوره ۶ تقنینیه و این دوره مطالبی گفته‌ام که اگر ایشان نکند بکنند حاضر خدمتشان بروم و بپوشش بخواهم و طلب عضو کنم.

مستشاران خارجی هیچکدام بقدر او ایران را متضرر نکرده‌اند کسی نکفت که میو «میزو» مستشار فرانسوی و مستر «شوستر» مستشار امریکائی بر خلاف مملکت ماکاری نمودند به «مرنار» مستشار بلژیکی نسبت دادند که هدیه برسم باد کار قبول میکند و در اینجا لازم است که توضیحاتی عرض کنم:

ضررهایی که بدولت میرسد گناه از اتباع خود اوست که مقیم ملک شدند و گناه از اتباع خارجه و دول دیگر. در قسم اول از نظر اقتصاد ضرر بزرگی متوجه مملکت نمیشود، فرض کنیم يك امین دارائی بواسطه جلب نفع غله دولت را بقیمت ارزان فروخت، در این مورد مملکت متضرر نشده و از آن وجهی که بدولت نرسیده خریدار که اهل مملکت است منتفع میشود و در مواردی که مشمول این قسمت است دکتر بعد افراطاً حافظ منافع دولت است و کسی نشنیده که او برای جلب نفع خود از منافع دولت صرف نظر کند و رفتار او طوریست که تصور میکند دولت قشون فاتح است و برای اجراء يك برنامه اقتصادی که رنگ سیاسی نداشته باشد بهتر از او کسی را نمی توان پیدا کرد ولی در قسم دوم عنایات او اغلب بر ضرر مملکت است.

من باب مثال لایحه فروش تهره را که اخیراً دولت بمجلس پیشنهاد نمود عرض میکنم و لایحه از اینقرار است:

### مغایب لایحه فروش تهره

« ماده واحده - هیئت نظارت اندوخته اسکناس مجاز است در مقابل طلائی که در امریکا بنام قسمت نشر اسکناس بانک ملی ایران نزد «فدرال رزرو بانک نیویورک» (بانک مرکزی) امانت گذارده میشود نرخ قانونی تهره در تهران یا شهرستانها تعویب بانک ملی ایران نماید تا بانک نامبرده بتواند تهره را بمصرف مسکوک جدید و یا فروش در داخله و خارجه برساند.

تبصره ۱ - تا زمانی که طلا بموجب این قانون در خارجه خریداری شده کلاً باجزئی تا در خارجه موجود می باشد آنچه طلا برای بانک ملی ایران از خارجه وارد میشود بابت طلا های مزبور محسوب خواهد شد.

تبصره ۲ - کلیه مخارج ضروری برای حمل طلا از خارجه بتهران در موقع انتقال بعهده بانک ملی است.

گذشته از اینکه من با این لایحه مخالفم و آنرا در صلاح مملکت نمی دانم و منتظرم که کمیسیون های مجلس نظریات خود اظهار کنند تا هر وقت که در مجلس طرح شد اگر مانع نشدم اصلاحاتی که لازم است پیشنهاد کنم از تبصره که نوشته اند کمتر ممکن است کسی مطلب را بفهمد و در بادی امر چنین تصور نکند که دکتر و مدیر بانک چقدر از پشتوانه حفاظت میکنند در صورتی که موضوع چیز دیگری است.

بانک ملی دو قسم طلا وارد میکند قسمتی راجع به پشتوانه است قسمتی هم راجع بخود بانک که آنرا پهلوی سکه میزند و بیهای معمولی بازار میفروشد و استفاده بسیار مهمی از این کار میبرد کما اینکه بعضی از منتقین هم این کار را میکنند مثلاً بجای اینکه دو لیره کاغذی بیاتک ملی ایران بدهند و ۲۶۶ ریال قیمت قانونی آن را بگیرند چون پول ما بسیار تنزل کرده و این معامله برای آنها برکت نمیکند ۲ لیره و ۴ شلینگ که یارخ قانونی ۲۸۰ ریال است طلا میخرند و در ضرابخانه سکه میکنند و پهلوی طلا را در بازار ۵۵۰ ریال میفروشند و ۲۹۴ ریال هم بیش از نرخ قانونی دارند پس وقتی که بانک ملی بتواند طلائی که برای ضرب مسکوک پهلوی وارد میکند سکه کند و هر چه طلا وارد میشود بهیئت نظارت اندوخته اسکناس بابت تهره ای که فروش رفته تعویب دهند از يك عایدات هنگفتی که سال قبل چندین میلیون بوده محروم میشود و علت تبصره (۱) این است اگر منتقین و بیاتک هر دو برای ضرب پهلوی طلا وارد کنند گذشته از اینکه منافع بین هر دو تقسیم میشود

ممکن است اگر طلا زیاد وارد شد قیمت آن تنزل کند .

بهتر این است که طلا کمتر مسکوک شود و وضعیت مدتی ثابت بماند .  
اگر مدیر کل بانک و دکتر می خواستند انجام وظیفه کنند باید تبصره را اینطور می نوشتند: طلایی که از محل فروش نقره وارد می شود بهیشت نظارت انس دوخته تحویل دهند و طلایی که بانک برای ضرب و کسب فایده وارد می کند کماکان سکه نماید و هایداتش از بین نرود .

اگر از نخست وزیر سوال کنیم که از چه نظر این لایحه را پیشنهاد نمودید خواهند گفت که در امور اقتصادی دولت مسئولیتی ندارد همه می دانید که من میخواستم ام دتا Homme d'etat (رجل سیاسی) بشوم و اختیارات دکتر میلیسیو را که برخلاف قانون اساسی است منفی کنم چون دیدم که «ام دتا» شدن کار بست مشکل و آدم باثبات کارش دوام نمی کند دیر بازود باید برود و در خانه خود ساکن شود صلاح این بود که دست از این کار بردارم و با اینکه در امور اقتصادی مطابق قانون مسئولیتی ندارم برای فورمالیته توایح را امضا نمایم - وزیر دارایی (فروهر) هم جوابی بهمین مضامین خواهد داد ولی معلوم نیست که دکتر میلیسیو رئیس کل مایه و ابشپاج مدیر کل بانک در مقابل این سوال چه جوابی تهیه کنند !!

این ها بود شکایاتی که اهل ملکیت دارند و برای هر يك از ما بقدری نامه و تلگراف رسیده که از عهده جواب عاجزیم - وقتی که مجلس بشکایات مردم توجه نکند ، وقتی که مجلس مقدرات مردم را باشخاص بی علاقه بسپارد و وقتی که مجلس قم ملت را نخورد نباید منتظر بود که جامعه بچنین مجلسی احترام کند و ما را نماینده حقیقی خود بداند! اگر تقویض اختیارات بيك اجنبی از مجلس سلب مسئولیت میکرد بهتر بود ملت خود را از بار سنگین مغایر مجلس و دولت خلاص کند - چه فرق است بین مجلسی که در اوضاع ملکیت مؤثر - نیست یا مملکتی که تحت حکومت يك قلدس باشد - ما باید بر مردم احترام کنیم تا مردم هم با احترام کنند اگر مردم قابل احترام نیستند ما هم از این مردمیم، ما باید بسطالپ حقه مردم برسیم و از آنها دفع شرور رفع ظلم کنیم -

اگر اکثریت مجلس با این اوضاع مخالف است پس دولت بچه عنوان می ماند و میلیسیو با چه قوه از رژیم کیف مایشامی و مطلق العنانی پای خود را با این نمی گذارد و اگر اکثریت مخالف نیست خوب است تختت وزیر بیاید و جواب شوائبی که شده بدهد و تا دولت نیامده موافقین با این اوضاع یکی از جلسات مجلس را بایشکار تخصیص دهند و نظریات خود را بگویند و از جامعه و کسانی که در این مجلس مخالفند رفع اشتباه کنند و تکالیف دولت و میلیسیو را نه در جلسه سری مجلس بلکه علی رتوس الاشهاد معلوم نمایند و من یقین دارم که مذاکرات موافقین اگر صادقانه باشد سبب میشود که اشتباهات مرتفع شود و شکایت کنندگان قانع شوند و الا فرط یاس از این اوضاع موجب حوادثی میشود که مجلس و هر دولت مقتدری از عهده اصلاح عاجز باشند .

نامه دکتر میلیسیو بنماینده  
اول تهران

بعد از اینکه نماینده اول تهران در باره جریان  
و ملاقات خود با رئیس کل دارایی در مجلس صحبت

نمود دکتر میلیسیو نامه ای بشرح زیر نوشت و در جراید منتشر کرد :

جناب آقای دکتر مصدق نماینده مجلس شورای ملی :

توجه این جانب به پاره ای اظهارات جنابعالی که چند روز قبل در مجلس شورای

ملی نموده‌اید جلب شده است .

ضمن نطق خود در مجلس شورای ملی به مذاکراتی که در منزل یکی از دوستان صیسی و محترم طرفین وقوع پیوسته اشاره فرموده اید ولی طی نطق خود قسمتی از اظهارات مرا حذف و پاره ای اظهاراتی که اصولاً از طرف این جانب نشده اضافه فرموده اید و بعلاوه با اطلاع مجلس شورای ملی نرسانیده اید که داوطلبانه قول دادید که در آتی قبل از انعقاد از میسیون امریکائی در مجلس شورای ملی موضوع را به اطلاع این جانب خواهید رسانید تا این جانب فرصت داشته باشم اطلاعات و توضیحات لازم را بعرض برسانم .

از آنجائی که نطق جنابعالی با اطلاع عامه رسیده این جانب هم رونوشتی از این نامه را برای جراثید ارسال میدارم (۱) . رئیس کل دارائی

در پاسخ نامه بالا ، آقای دکتر مصدق هشت فقره

سوال ذیل از دکتر میلیپو نمود که از شماره

سئوالات هشت شماره دکتر  
مصدق از دکتر میلیپو

۷۱۲ روزنامه «مهر ایران» در ذیل نقل می شود :

آقای دکتر میلیپو رئیس کل دارائی!

نامه شماره ۶۰۷۵ مورخ ۱۵ مرداد ۱۳۲۳ شامشرف و وصول یافت قبلالاجاز است که این سوه تقاضم از اذهان عامه مرتفع شود که از امریکامیسیون در ایران نیست و دولت یکمستشار وعده ای مستخدم از آن سلکت برای خدمات مالی استخدام نموده و چنانچه یکی از آنها در انجام وظایف غفلت و یا کاری برخلاف وظیفه نبود باید مورد اعتراض واقع شود و الا انتظارات دولت و ملت از آنها عملی نشده و از استخدام آنان نتیجه ای که مطلوب است عاید نمیشود اعتراض بتخلف برای این نیست که مستخدمین امریکائی بروند بلکه از این نظر است که دیگران درس عبرت بگیرند و رفتارشان طوری باشد که تا مدتی بیاتند و اما راجع بموضوع مراسله بواسطه کمی حافظه ممکن است این جانب از بیانات شما چیزی در مجلس نگفته باشم ولی چیزی بآنها اضافه نموده ام - لازم بود آنچه برخلاف واقع بشان نسبت داده شده بفرمائید تا عامه مطلع شوند که بیانات شما دارای چه اثر بوده و حذف آنها از چه نظر است و اینکه مرقوم فرمودید داوطلبانه بشما قول دادم موضوعاتی که در مجلس اظهار میکنم قبلاً بخودتان اطلاع دهم تا اگر توضیحات لازمه داده نشد در مجلس مطرح نمایم مورد تکذیب است ، شنبه ۱۵ تیر قبل از انعقاد جلسه مجلس شورای ملی آقای سرتیپ زاده به من گفتند که برای روز شنبه ۱۷ تیر ماه از شما دعوت میکنم که با آقای دکتر میلیپو ملاقات کنید از نظر اینکه میخواستم در آن جلسه مذاکراتی راجع بعصیانات شما بکنم دعوت ایشان را رد نمودم که با نهایت آزادی هر چه لازم است بگویم ، چون ایشان گفتند که با آقای دکتر قول داده ام خواهش مرا رد نکنید پس از اظهارات خود در مجلس در همان جلسه با ایشان نوشتم که چون آنچه لازم بود گفتم دیگر مانعی نمی بینم که روز شنبه در حقه ثالثی با آقای دکتر ملاقات کنم بنا بر این چه مرا وامیداشت که داوطلب بشوم و از خود سلب اختیار کنم و بشما قول بدهم که هر چه در مجلس میخواهم بگویم یا از مطالبی که باید بکسی نگفتم و غفلتاً در مجلس اظهار کرد قبلاً بشما اظهار کنم - اینها جزئیات است و نباید در

(۱) نقل از روزنامه مهر ایران شماره ۷۱۲ نوزدهم مرداد ۱۳۲۳ ؛

این باب بقدری بحث کرد که کلیات از بین برود. البته تصدیق میفرمایید چیزیکه مرا باطلاقات شما سوق داد همان اجرای قانون اساسی بود که تصور میکردم نظریات من شما را قانع کند، پس از اینکه با من موافقت ننمودید و هیچ دلیل عقلا پسندی هم در اثبات نظریه خود اقامه نکردید دیگر چنانداشت که من باشا تناس پیدا کنم و چنانچه خاطر تان باشد در آخر جلسه بدون هیچ قید و شرط از شما جدا شدم.

راجع بقانون ۱۳ اردی بهشت از جناب آقای نخست وزیر سوال نمودم و منتظرم که جواب مرا در مجلس بدهند و برای اینکه وقت مجلس تضییع نشود و دیگر در مروع از شما انتقاد نکنم مواظم که تا ۲۵ مرداد جواب مطالب ذیل و الطف کنید. امیدوارم که جواب شما جامعه را قانع کند و من دیگر در این باب اظهاری نکنم.

۱ - علت اینکه ۴۰ هزار تن از سهمیه ایران در ۱۹۴۳ وارد نشد چیست ؟

۲ - وارد نشدن ۱۳ هزار تن از سهمیه ششماه اول ۱۹۴۴ بچه علت است. ممکن

است باز وارد کرد یا موقع از دست رفته است ؟

۳ - از وارد شدن این سهمیه ها چه مبلغ بعواید گمرکی ضرر متوجه میشود ؟

۴ - در صورتی که در ۱۳۲۲ طبق تراز نامه از نتیجه معاملات فلزات متجاوز از ۱۵

ملیون ریال بیانک ملی نفع رسیده تبصره ماده واحده لایحه شماره ۳۲۱۳ دولت که از این قرار است: «تا زمانی که طلائی که بموجب این قانون در خارجه خریداری شده کلا یا جزئاً در خارجه میباشد آنچه طلا برای بانک ملی ایران از خارجه وارد میشود بابت طلای مزبور محسوب خواهد شد» و بانک را از یک عایدات هنگفتی محروم داشته اید از چه نظر است ؟

۵ - با اینکه بشهر برسیده که از ورود آرد بشهر تهران نمیتوان جلوگیری کرد و ندادن جواز موجب قاچاق و فساد اخلاق است اعلانی که اخیراً برای وارد شدن غله بشهر منتشر شد نسخ فرموده اید.

۶ - از تعهدات مازاد سال ۳۲۲ در هر محل چه مقدار وصول شده و چه مقدار بخیاز-

های آن محل و چه مقدار به متفقین رسیده است؟ صورت ریز کلیه مازادی که در کشور وصول و بخیازهای شهر سناها و سیلو شهر تهران و منفین داده شده ضرورت دارد.

۷ - اطلاعات شما راجع به ادعای دولت انگلیس از بابت مخارجی که در آن جنک

نموده است چیست ؟

۸ - در صورتی که سایر دول بدون اجازه کسبه خاور میانه میتوانند بوسیله «کلی

پست» از آمریکا کالا وارد کنند و رود کالا بوسیله «کلی پست» برای ایران چرا محتاج با اجازه است؟.....

آقای دکتر! من هیچوقت نمیخواهم که شما از کار کنار بروید زیرا که برای کار شما از خارجه و داخل داوطلبی ندارم. از شما اگر این جامعه متضرر شود هیچ متوجه من نیست. زیرا در آوردن شما مؤثر نبوده ام ولی اگر شما بروید چون در رفتن شما مؤثرم ممکن است ضرری که بعد بجامعه میرسد متوجه منم بشود. هر چه انشاء این هر اسله از من ولی اخبار از عقیده ملت است. اگر یکی از مستخدمین که امروز بواسطه بالا رفتن قیمت اشیاء حقوقش مساوی با اجاره خانه نیست بقدر احتیاج خود خسارت رساند و جداناً مسئول نیست زیرا که دو معصمه «اکل میت» جایز است ولی از شما که حقوق بسیار دارید اگر ضرری برسد قابل عفو نیست. برآستی قسم اگر از مطالب سوال شده یکی راست باشد خسارتی که از آن بملت رسیده از آنچه از بنو مشروطیت از تمام مستخدمین



نامه دوم دکتر میلیپو ۱۰۹

رسیده متجاوز است. مطالب من بسیار مهم است و جواب صحیح شما را سر بلنه میکنم والا شما را ازین میبرد، با جواب صحیح مخالفین تسلیم میشوند و الا موافقین قادر نیستند که دفاع کنند، هیچکس نمیتواند بگوید با این همه خسارت باز باید شما در کار بمانید و این مراسم در تاریخ زندگی شما بسیار موثر است.

چون مرقوم فرمودید رونوشتی از مراسم خودتان بچراید میفرستید که منشر شود این جانب هم جواب خود را منشر میکنم تا عامه از آنچه بین ما می گذرد مطلع شوند.

«دکتر محمد مصدق»

البته میلیپو بسئالات فوق جوابی نداد و حق هم داشت زیرا صدور پاسخ

منفی برای او غیر ممکن بود.

در جلسه ۱۸ آذر ماه مجلس شورای ملی باز دکترا

مصدق در مورد دکترا میلیپو و مطالبی بیان نمود (۱)

چون بذاتقه او ناگوار آمد نامه ذیل را در

نامه دوم دکتر میلیپو  
بدکترا مصدق

روزنامه ها منتشر کرد (نقل از روزنامه داد شماره ۳۳۸ مورخ هفتم دیماه ۱۳۲۳)

«جناب آقای دکتر مصدق نماینده محترم مجلس شورای ملی: ضمن نطق

چند روز قبل خود در جلسه مجلس شورای ملی سوال فرموده اند «اگر دکترا خادم این

سلکت بود چرا دو میلیون لیره ادعای دولت انگلیس را ۰۰۰۰ تادیه کرد» این ادعا در

موقعی که این جانب قبلا در ایران بودم تادیه نگردیده و در این سفر هم تادیه نگردیده

نگردید موافقتی هم برای تادیه آن نشده است بلکه اولین مرتبه ای است که پس از مراجعت

این موضوع را میثنوم هیچ ادعائی بدون موافقت جناب آقای وزیر دارائی و بجز در حدود

اعتبارات و اجازات اعطائی مجلس شورای ملی تادیه نمیگردد - تنها ادعای دولت انگلیس

را که در نظر دارم در مدت توقف سابق خود در ایران پرداخته ام ادعائی است که از

طرف سفارت انگلیس راجع به يك نفر انگلیسی و يك نفر روسی ارسال گردید و مربوط به امتیازی

برای کشتی رانی در دریایچه رضاییه بود - ادعای مزبور در زمانی که جناب آقای دکتر

مصدق وزیر امور خارجه بودند بوزارت امور خارجه ارائه گردید . منبری الیه با آن

موافقت فرموده و مصرأ تقاضا داشتند که این جانب نیز با آن فوراً موافقت نمایم . ادعای

مزبور را باوجود تأکیدات جناب آقای دکتر مصدق مورد بررسی کامل قرار داده و در

تقدیم آن به مجلس شورای ملی اصرار ورزیدیم تا این که مجلس نیز تادیه آن را اجازه

داد (۲) . رئیس کل دارائی >

اداره روزنامه داد!

در هیجدهم مرداد ماه ۱۳۲۳ این جانب از آقای

دکترا میلیپو رئیس کل دارائی ۸ سوال نمودم که

بهیچیک جواب نداده اند و فقط یکی از اعتراضاتی

که در جلسه ۲۸ آذرماه مجلس شورای ملی بایشان نموده ام - جوابی ناقص در شماره ۳۳۸

جواب دکتر مصدق  
بنامه دوم دکتر میلیپو

(۱) ملاحظه شود نطق دکتر مصدق در قسمت راجع «بکابینه بیات و قانون تحریم امتیاز

نفت» که از مجله مذاکرات مجلس مورخ هفتم آذر ۱۳۲۳ حله ۱۴۳۷ نقل شده است .

(۲) قبل از روزنامه داد شماره ۳۴۲ مورخ ۱۲ دیماه ۱۳۲۳

آن جریده شریفه داده و بعد بعنوان اعتراض متقابل مطالبی بن نسبت داده اند که از تمام آنها بیخبرم و لازم میدانم نظریات خود را بمعرض افکار عامه گذارم و قضاوت آن را بمهده خوانندگان آن روزنامه محول نمایم. راجع بمولودین لیره که این جانب گفته ام آقای- دکتر از بابت ادعای دولت انگلیس پرداخته اند شرح قضیه این است که در اوایل دوره ششم قنیه بین بعضی از نمایندگان مجلس مذاکره میشد که مرحوم فروغی یا موافقت رئیس- کل مالیه آن را تصدیق نموده است؛ لذا موضعی که بر نامه کابینه مرحوم «مستوفی الممالک» در مجلس مطرح شد این جانب نسبت به دو نفر از وزرای عضو کابینه یعنی آقای حسن وثوق (وثوق السلوله) و آقای محمد علی فروغی (ذکاء المالك) مخالفت نمودم و آنچه آنروز گفته ام امروز تکرار میکنم و از صورت مذاکرات آن روز مجلس بنظر خوانندگان میسرانم بدینترار:

«دوم - مکاتبه است که فروغی با سفارت انگلیس نموده و در آن قریب ۲۰ کرور تومان دعاوی آن دولت را نسبت بایران تصدیق کرده است - حقیقتاً چقدر معامله خوبی- است که بعضی برای اختناق و فروش ایران پول بگیرند و آقای فروغی اصل را با فرع تصدیق نماید (عراقی- این کالعه پنجره است) اگر در سایر ممالک و زیران با هیچ سفارتی مکاتبه نمیکنند و بهیچ سفارتی سند کسبی نمیدهند مگر اینکه بعد از تصویب مجلس باشد؛ متأسفانه در این مملکت فروغی و امثالش اول مضمی این قبیل توشیحات میشوند تا بعد مجلس تصویب نماید بعبارت اخری اول ریش دولت را بدست می دهند تا بعد ریش ملت هم دست آید..»  
الی آخر»

مخالفت من بامرحوم فروغی در دو موضوع بود: یکی راجع بمراسله ای بود که شهرت داشت سفارت شوروی نوشته و دیگری مراسله سفارت انگلیس است که راجع بمراسله اولی مرحوم مستوفی الممالک طبق مذاکرات جلسه ۳۱ شهریور ۱۳۰۵ اینطور فرموده اند «چون در ضمن بیانات پریروز آقای دکتر مصدق اشاره بیک مراسله ای فرمودند که آقای- فروغی سفارت شوروی نوشته اند که آن مراسله یک لطمه ای وارد میآورد و قضایای کابی تولاسیون را تجدید میکند بنده این اطلاعاتی که ایشان دارند بهیچوجه ندارم و هیچ همچو چیزی گمان نمیکنم باشد و امروز کابی تولاسیون بهیچ وجه مابین ایران و روسیه برقرار نیست و اتباع روسیه را هم در عدلیه معا که میکنند و بنده بهیچوجه اطلاعی ندارم که کابی تولاسیون مابین ایران و روسیه برقرار باشد و عملاً هم امروز کابی تولاسیون مابین ایران و روسیه برقرار نیست» و بعد در جواب سؤال مرحوم «خطیبی» نماینده گروس که اظهار نمود «اشارات آقای دکتر مصدق دو جمله بود یک جمله دیگرش را فرمودید» مرحوم مستوفی اظهار فرمودند. «در آن قسمت اطلاع ندارم ممکن است تحقیقات بکنم و جواب عرض کنم» که از این بابت آن مرحوم بعد اظهار فرمودند و خود مرحوم فروغی هم که از مسافرت اروپا مراجعت نمود پس از مذاکرات مفصل با این جانب حاضر- نشد که در مجلس گفته های مرا تکذیب کند و لطمه ای که بعیثیات او وارد شده بود جبران نماید و باینکه گفته میشد که دولت انگلیس بعضی که برای خود قائل بوده رسیده است این جانب نتوانستم بدون مدرک بآقای دکتر میلیسپو نسبتی بدهم و در ضمن پرسش های ۱۸ مرداد خود از ایشان فقط اینطور سؤال کردم: «اطلاعات شما راجع به ادعای دولت انگلیس از بابت مضارجه که در آن جنمک نموده است چیست؟» و این سؤال عام بود یعنی شامل هر گونه عملی است که باین ادعا مربوط شود، از تصدیق و تادیبه مدعا به و تهاثر، که متأسفانه

رئیس کل دارایی بهیچ يك از سؤالات هشت گانه این جانب که تمام در مصالح مملکت و از نظر تبرئه خود ایشان شده بود جواب ندادند و نخواهند خود را تبرئه کنند و فقط به اعتراض من که در مجلس راجع بپرداخت دو میلیون لیره نموده جواب ناهض دادند که در آن روزنامه درج شده است .

چون پرونده این قبیل امور در محلی گذارده نمیشود که مثل من کسی بآن دسترسی پیدا کند و بر فرض اینکه ایشان وجهی نادیه نموده باشند عدم پرداخت وجه دلیل عدم تصدیق این ادها نمیشود، اگر آقای دکتر میلیسبو هیچگونه دخالتی در این موضوع ننموده اند و یکی از آن بی خبرند خوبست بالعصاحه تکذیب کنند و استخوانی لای زخم نگذارند و اطلاعات خود را منتشر نمایند و اینجانب تصور نمیکنم آقای دکتر بخواهند مطلب را روشن کنند و اما راجع با اعتراض متقابل که آقای دکتر خواسته اند بفرمائید که ادعای يك نفر انگلیسی و يك فرروسی با نظر و نفوذ اینجانب پرداخته شده است مجبورم آنچه را نوشته اند تکرار کنم و جواب تست های مربوطه را بدهم ، مینویسد : « تنها ادعای دولت انگلیس را که در نظر دارم در مدت توقف سابق خود در ایران پرداخته ام ادعائی است که از طرف سفارت انگلیس راجع بیک نفر انگلیسی و يك نفر فروسی ارسال گردید و مربوط بامتیازی برای کشتی رانی در دریایچه رضاییه بود . ادعای مزبور در زمانی که جناب آقای دکتر مصدق وزیر امور خارجه بودند بوزارت امور خارجه ارائه گردید . معزی الیه با آنان مواظقت فرمود و مصراً تقاضا داشتند که اینجانب نیز با آن فوراً مواظقت نمایم .

ادعای مزبور با وجود ناکیدات جناب آقای دکتر مصدق مورد بررسی کامل قرار داده و در مقدم آن بمجلس شورای ملی اصرار ورزیدیم تا اینکه مجلس نیز نادیه آن را اجازة داد . رئیس کل دارایی »

آقای دکتر نوشته اند : « ادعائی است که از طرف سفارت انگلیس راجع به یک نفر انگلیسی و یک نفر فروسی ارسال گردید » در صورتی که این ادعا مورد توجه سرد و سفارت بوده و ممکن است که با آقای دکتر فقط ادعای سفارت انگلیس ارسال شده است . ایشان مدعی هستند که ادعای مزبور زمانی که این جانب وزیر خارجه بوده ام بوزارت خارجه ارائه شده در صورتی که اینجانب در سال ۱۳۰۲ فقط چند ماه در کابینه مرحوم مشیرالدوله عهده دار پست وزارت خارجه بیشتر نبوده و بشهادت پرونده ها موضوع بحث مدتی قبل از تصدی این جانب مورد تقاضا بوده است . آقای دکتر مدعی هستند که « موضوع با مواظقت و اصرار این جانب مورد مطالعه و مواظقت فوری ایشان واقع شده است » من از ایشان خواهانم که کوچکترین مدرکی در این باب ارائه کنند . در صورتی که اینجانب مطابق یادداشتی که در ۱۴ میزان ۱۳۰۲ بداره مربوطه داده ام مخصوصاً تصریح کرده ام که آقای مستشار کل مالیه بر طبق مذاکراتی که در جلسه ۱۳ میزان هیئت دولت در حضور آقای رئیس الوزراء و آقای وزیر مالیه ( فروغی ) بعمل آورده اند لازم دانسته اند از کار دعوی « بوداغبانی » و « استیفوس » مطلع گردند و در یادداشت خود اینطور دستور داده ام « لازم است ترجمه بعضی از نوشتجات را که عامل و مؤثر ضد دعوی آنهاست تهیه کرده برای آقای مستشار کل مالیه بفرستید » که علی همین دستور در ۲ میزان از طرف اداره مربوطه شرحی بافتنی دکتر نوشته و نوشتجات برای ایشان فرستاده شده است . البته خوانندگان معترمم از این دستور اینطور استنباط نخواهند نمود که اینجانب مصراً تقاضا نموده ام که آقای دکتر با آن مواظقت نمایند . ایشان بساز تکرار فرموده اند که ادعای مزبور با وجود

تأکیدات این جانب مورد بررسی قرار داده و در تقدیم آن بمجلس شورای ملی اصرار ورزیده اند در صورتی که چند ماه بعد از تصدی این جانب یعنی در ۱۴ حمل ۱۳۰۳ مرحوم فروغی که قائم مقام من بوده اند در قسمت اخیر مراسله ای که یکی از نمایندگان خارجه نوشته مرقوم میفرمایند « دولت متبوهه دوستدار برای اینکه بکلی بدهاوی «مسیو بوداگیانس» و «مسیو استیفوس» شریک او خاتمه داده شود تصمیم نموده مبلغی از بابت قیمت اموال و کشتی هائی که مشارالیهما در دریاچه ارومیه داشته اند و مغارجی که میگوید برای نگاهداری آنها و ساختن ایستگاه و غیره ها در دریاچه مزبور نموده اند بپردازد » و البته خوانندگان از قسمت اخیر مراسله اینطور نتیجه خواهند گرفت که مرحوم فروغی پس از اینکه چند ماه وزیر خارجه بوده تازه در ۱۴ حمل مینویسند « دولت تصمیم نموده مبلغی از بابت مطالبات آنها بپردازد » که تصمیم دولت ششماه بعد یعنی در جله ۱۳ میزان ۱۳۰۳ مجلس شورای ملی بصورت قانون درآمده و ماده واحده پیشنهادی دولت بدین طریق تصویب شده است :

« مجلس شورای ملی بوزارت مالیه اجراءه میدهد که کشتی ها و کاروان - سروامایلتک دیگر «بوداگیانس» و «استیفوس» را در دریاچه ارومیه به مبلغ ۳۲۰ هزار تومان خریداری نماید .

تبصره - دعاوی موجوده بین ورثه «امامقلی میرزا» و «بوداگیانس» را دولت در ضمن این معامله خاتمه میدهد .

بنا بر آنچه گذشت معلوم نیست این جانب در قطع و فصل دعاوی بکنفرانگلیسی و بکنفر روسی چه اعمال غرضی نموده ام که آقای دکتر میلیسو تحت تأثیر واقع شده اند .  
۱۱ دیماه ۱۳۲۳ . دکتر محمد مصدق»

بهر حال مبارزه و مجاهدت دکتر مصدق برای لغو اختیارات میلیسو و خاتمه کار مستشاران امریکائی با شدت هر چه تمامتر مداومت داشت تا اینکه

نتیجه مبارزه دکتر مصدق  
با دکتر میلیسو

هنگام طرح بر نامه دولت «بیات» موافقت خود را با کابینه مزبور باین شرط نمود که قانون سیزدهم اردیبهشت ملغی شود و آن شرط مورد قبول آقای سهام السلطان بیات نخست وزیر واقع گردید و با وجود مخالفت طرفداران میلیسو با کابینه و ایجاد مشکلات زیاد در کارهای مربوط بدولت توانست الغای قانون مزبور را از مجلس بگذرانند و نتیجه این شد که مستشاران از کار کناره جوئی کردند .

آوردن متن نامه های متبادله بین نخست وزیر و دکتر میلیسو در مورد «لغو اختیارات» در اینجا ضرورت ندارد و همچنین لازم نیست بمطالب جراید موافق و مخالف لغو اختیارات در اینجا اشاره کنیم فقط یاد آور میشویم که کلیه جراید «بیطرف» و «میان رو» کشور طرفدار لغو اختیارات و طرفدار مستشاران امریکائی بودند و روزنامه هائی امثال: «رعد امروز» و «ستاره» و «بانختر» و «کشور» مخالف آن و با توضیحاتی که در اول این

فصل دادیم معایب اختیارات هیلسیو و مضار عملیات مستشاران آمریکائی بر خوانندگان روشن شد و کلیه هموطنان، آن ایام یعنی آن روز های سیاه و پرهشقی را که اقتصاد و مالیه کشور در دست این هیئت بود بخاطر دارند و بهتر از نگارنده بضرر و خسران قانون سیزدهم اردیبهشت واقف میباشند و تصدیق میکنند که عمل مجلس ۱۴ در الفساء قانون مزبور تا چه حدی مؤثر و مفید بوده است.

اکنون متن مصاحبه آقای دکتر مصدق و آقای سید ضیاء الدین طباطبائی راجع بمستشاران آمریکائی با مخبر روزنامه «مرد امروز» را که از مطالعه آن

متن دو مصاحبه مهم

بسنخ فکر و سلیقه و در عین حال روش سیاسی نامبردگان میتوان پی برد از شماره ۱۶ روزنامه مزبور مورخ دوم اردیبهشت ۱۳۲۳ نقل مینمائیم:

### مصاحبه با آقای دکتر مصدق راجع بمستشاران آمریکائی

روز چهارشنبه ساعت هشت صبح مخبر اداره با آقای دکتر مصدق در خصوص مستشاران آمریکائی مصاحبه ای بعمل آورد که ذیلا درج میشود:

در ساعت نوزده همان روز آقای دکتر با اداره روزنامه تلفن کردند که از درج مصاحبه خودداری شود و عقیده داشتند که چون هنوز اقدام دولت در این خصوص معلوم نیست بهتر است چند روزی تأمل شود تا قضیه روشن تر گردد. ما از نظر مصاحبه ای هم که با آقای دکتر میلپسیو و آقای سید ضیاء الدین در این خصوص شده، خودداری از درج مصاحبه با آقای دکتر مصدق را هم دو مصاحبه دیگر دانسته و با معنرت از ایشان بدرجش اقدام نمودیم و امید داریم عمل ما که صرفاً برای روشن شدن افکار عامه است مورد ایراد واقع نشود.

س - بعقیده شما اصولاً ایران احتیاج بوجود مستشار دارد یا خیر ؟

ج - بعقیده من ایرانیها خودشان بخوبی قادر با اداره کلیه امور کشور خود هستند و چنانکه سالها بلکه قرنهای بی مستشار ملکت را اداره کرده اند محتاج بوجود مستشار نیستند ولی يك مسئله است که باید توجه کرد و آن سیاست خارجی کشور است. امروز بملت تماس مستقیمی که با دول دوست و همجوار و متفق خود داریم اگر امور مالی تحت نظارت و شور عده ای مستشار باشد که بتواند کاملاً بیطرفانه رفتار نماید خیلی بهبود و بهجاست ولی این مستشارها باید از يك دولتی مثلاً آمریکا خواسته شود و دولت آمریکا معرف و ضامن اعمال آنها باشد تا هر کس بدون مسئولیت و میل وارد آن و آن تحصیل شود.

س - شما با چه عمل این مستشاران مخالفید ؟

ج - من با عمل مجلس سیزدهم مخالفم که این اختیارات را بدکتر میلپسیو داده است و کلاوکیل در توکیل نیستند و نمیتوانند اختیاراتی که ملت بآنها داده بدیگری محول نمایند.

س - مقصودتان چه قسمت اختیارات است ؟

ج - دکتر میلپسیو بوسیله يك قانونی استفاده شده که در ۲۸ آبانسال ۱۳۲۱ از مجلس گذشته و در آن قانون وزیر دارائی با دکتر مسئولیت مشترك دارند ولی يك قانون در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۲۲ گذشته که بموجب آن اختیاراتی بدکتر داده شده است که با

عقیده بدخیزانه نسبت به اختیارات میلپو ۱۱۱  
قانون اساسی منافات دارد.

در این اختیارات که برای نازل قیمت ها و تثبیت بهاء اجناس داده شده وزراء همچگونه دخالت و مسئولیتی ندارند و این مخالف اصل ۱۶ قانون اساسی است که وزراء را مسئول اعمالشان میدانند در این مدت که دکتر دارای اختیارات بوده مکرر مجلس با وزراء در باب اصلاحات مذاکره نموده و آنها عقیده و پیشنهادات مجلس را قبول نمودند ولی آقای دکتر میلپو موافقت نکرده و اقدامات خشنی مانده است.

البته با این وضع نمیتوان وزراء را مسئول دانست و آقای دکتر هم مسئولیتی ندارند و معلوم نیست چه کسی در عدم پیشرفت ها و احیاناً خراب کاری ها مسئول مجلس است!

## مصاحبه با آقای آقا سید ضیاءالدین طباطبائی

س - بعقیده شما آیا ایران اصولاً احتیاج به مشاور دارد یا خیر؟

ج - بعقیده من در تحت تأثیر تحولات اقتصادی و مالی و معنوی و ذراعتی که در دنیا پیش آمده هر مملکتی در یک حدودی محتاج بوجود مشاورانی است که در رشته های مخصوص نه فقط واجد نظریات علمی باشند بلکه دارای تجربیات عملی هم بوده باشند میباشد. بعقیده من نه ایران بلکه همه جا محتاج است و قصد از وجود این مشاوران خارجی باید تهیه و تدارک متخصص بومی و معطی باشد که تدریجاً مملکت را از احتیاج به مشاوران خارجی مستثنی سازد و اگر از چهل سال قبل مشاوران خارجی را عقید و موظف به تربیت رجال بومی و معطی کرده بودیم شاید امروز در بسیاری از رشته ها از وجود مشاوران خارجی مستثنی میشدیم چنانچه تا درجه ای در گمرک و پست و تلگراف این استثناء حاصل شده است.

س - عقیده شما را چه بدکتر میلپو و مشاوران امریکائی چیست؟

ج - نظریات خود را در ضمن نطقی که در مجلس ایراد کردم اظهار نمودم

س - اینکه در مجلس بعنوان «مواقت» با آنها صحبت نموده اید از چه نظر است؟

ج - جنبه منفی قضایای اجتماعی را پیش گرفتن آسان ترین طریقی است برای جلب معیوبیت و سلب مسئولیت، لکن عادت من همیشه این بوده است که در مسائل اجتماعی از قبول مسئولیت شانه خالی نکنم و وضعیت فعلی مالی و خوار بار محتاج به شرح و توضیح نیست یک تمایلی در نتیجه بیچارگی مردم برای کوتاه کردن یا محدود کردن مشاوران امریکائی در طبقات مختلفه مردم نمودار بوده و در عین حال یک دسایس مغرضانه برای مصالح معینه ای از طرف بعضی مقامات و افراد و دسته جانی بر علیه بدکتر میلپو و میسیون امریکائی در حالت جنبش - برای من غیر معلوم بود که اگر میسیون امریکائی از میان برود وضعیت مالی و سبایس مسائل مربوطه بآن چه صورتی پیدا خواهد کرد بنا بر این معتقد بودم قبل از اظهار عقیده قطعی میبایست از آقای دکتر میلپو راجع به تمام مسائل توضیحاتی خواست و اظهارات ایشان را شنید و فهمید تا چه درجه ایشان قاصر یا مقصر و یا غیر مسئول هستند و پس از فهمیدن کلیه قضایا برای من مسکن خواهد بود که تضاد قطعی خود را بیان دارم و گمان میکنم در هفته آینده آقای دکتر میلپو در کمیسیون مخصوص در مجلس شورای ملی حضور پیدا کند و سوالات نمایندگان را جواب بدهد.

من مأیوس نیستم که با تشریک مساعی بین مجلس و میسیون امریکائی آقای دکتر نه فقط مسائل را روشن بلکه موفق به حل مشکلاتی که نتیجه آن رفاهیت عامه و تخفیف مشکلات فعلی باشد بشویم.

## بعضی مطالب مهم راجع بمسائل اقتصادی چند سؤال از دولت اول صادر

مهمترین کاری که در جریان جنگ دوم جهانی ملت ایران با آن مواجه بود و همه روزه بر مشکلات زندگی میافزود موضوع پول کشور و کالاهای وارداتی بود که متفقین برای رفع احتیاجات خود در ایران طبق ماده سوم قرار داد مالی که از حیث زمان و مبلغ نامحدود بود از دولت پول میخواستند و دولت هم مجبور بود که بطور نامحدود اسکناس منتشر و رفع احتیاجات پولی آنها در داخله کشور بکند انتشار دائم الترابد اسکناس از یک طرف و عدم ورود کالای خارجی از طرف دیگر سبب شده بود که نرخ زندگی خصوصاً قیمت اجناس خارجی بندها برابر قبل از جنگ ترقی کند و برای جلوگیری از عوامل این ترقی هر وقت که موقع بدست میآمد دکترو مصدق ضمن بیانات یا بطور سؤال نظریات خود را اظهار و دولت را متوجه مینمود که اقدامی برای آسایش مردم بکند.

راجع به «انتشار اسکناس» نماینده اول تهران در جلسه بیستویکم خرداد ۱۳۲۳ مجلس شورای ملی بیاناتی نمود که از روزنامه اطلاعات شماره ۵۴۸۹ نقل میشود:

### سؤال از آقای نخست وزیر

آقای دکتر مصدق - تا ۳۰ شهریور ۱۳۲۰ که بانک ملی اجازه انتشار ۲۰۰ میلیون تومان اسکناس داشت ۳۷ درصد از پستوانه طلا و نقره بود و کسر آنرا ناسا میزان ۶۰ درصد جواهرات سلطنتی تضمین میکرد؛ از شهریور ماه ۱۳۲۰ که متفقین وارد خاک ایران شدند و بر ریال احتیاج داشتند مجلس شورای ملی در سه نوبت ۱۵۰ میلیون تومان دیگر اجازه انتشار داد که کلیه اسکناس منتشر شده به ۳۵۰ میلیون تومان رسید و باز در مقابل همان پستوانه تضمین شد زیرا تا شهریور ۴۴۰ نرخ رسمی آیره ۸۰ ریال بود و طلا و نقره پستوانه باین قیمت ۳۷ درصد پستوانه را تضمین میکرد ولی بعد که وزارت دارائی نرخ را ۱۴۰ ریال تعیین نمود چون قیمت طلا بیول ایران بالا رفت باز همان پستوانه فلزی ۳۷ درصد اسکناسهای منتشر شده را تضمین میکرد و ۹۳ میلیون تومان هم اضافه آورد که رئیس کل مالیه آن را بعنوان عایدات فوق العاده میخواست از بانک بگیرد و صرف مخارج مملکتی کند و مقصودشان عملی نشد:

چون اسکناسهای منتشر شده کفاف مخارج متفقین را نمیگردد و بانک هم بدون اجازه نمی تواند اسکناس منتشر کند در ۲۸ آبان ۱۳۲۹ مجلس شورای ملی بهیشت نظارت

۱۱۴ راجع به پشتوانه اسکناس

اندوخته اسکناس اجازه داد هر قدر متغیرین وجه بخواهند انتشار دهد و پشتوانه هم ۶۰ درصد طلا و ۴۰ درصد لیره باشد و این قانون بر اساس قرارداد های مالی بین متغیرین زد دولت که تا آن تاریخ بتصویب مجلس نرسیده بود و برخلاف اصل ۲۴ قانون اساسی اجسامی شد تصویب شد و از آن قرارداد فقط قرارداد بین ایران و انگلیس است که در ۵ تیرماه ۱۳۲۲ بتصویب مجلس رسید و مقررات آن را جمع پشتوانه این است :

۶۰ درصد وجهی که دولت انگلیس در مقابل ریال بیانک ملی ایران بدهکار است باید تبدیل بزرشود ( ماده ۱۰ ) و بر طبق ماده ۱۱ دولت انگلیس مخیر باشد که آنرا در «اتاوا» یا در «اتحادیه افریقای» جنوبی تحویل دهد و بموجب ماده ۱۲ دولت شاهنشاهی ایران هیچ مقدار از ارز تحویل شده تحت شرایط این قرارداد را مادامی که چنگ قطعی ادامه دارد بصرف معاملات بازرگانی یا هیچیک از کشورها جز ممالک گروه استرلینگ و کانادا و ایالات متحده امریکا نرساند و بر طبق ماده ۱۳ دولت شاهنشاهی ایران موجودی های لیره بحساب بستانکار خود را فقط برای پرداخت در ممالک گروه استرلینگ مصرف کند.

بطور خلاصه مبلغ اسکناسی که مجلس خرد اجازه داد ۳۵۰ میلیون و پشتوانه آن ۶۰ درصد که ۲۷ درصد آن طلا و نقره و بقیه آن تا ۶۰ درصد جواهرات سلطنتی است و آنچه را که هیئت نظارت اندوخته اجازه داده قریب ۳۵۰ میلیون تومان و پشتوانه آن از طلا و ارز صد درصد می باشد و در خارج ایران و دیه است. این بود خلاصه از گزارش هیئت نظارت اندوخته در جلسه ۳ اردیبهشت ۱۳۲۳ مجلس شورای ملی و گزارش آقای مدیر کل بانک ملی هم مطابق شماره ۵۳۷۸ روزنامه «اطلاعات» از این قرار است :

« بانک ۳۴۰ میلیون طلا بترخ بین المللی در پشتوانه دارد و این مقدار طلا در بازار تهران متجاوز از ۷۲۰ میلیون تومان فروش خواهد داشت ۴۳ میلیون نقره نیز قیمت بین المللی در بانک موجود است که بترخ بازار تهران در حدود نود میلیون تومان ارزش دارد و علاوه بر این بانک دارای ۱۵۰ میلیون ارز است و اگر بخواهیم طلا و نقره را بقیمت بازار تهران حساب کنیم و ارز موجود را به آن اضافه نمایم روی هم رفته بانک ملی ایران دارای ۱۰۰۰ میلیون تومان پشتوانه میباشد و علاوه بر این ۹۳ میلیون موجودی ریالی است که بابت اندوخته ذوقست نثر اسکناس بانک موجود است و در مقابل آن اسکناس منتشر شده هفتصد میلیون تومان است و علاوه جواهرات سلطنتی که بیانک ملی و اگذار شده جزو پشتوانه اسکناس محسوب میشود که لازم است باین گزارش توضیحاتی داده شود .

۹۳ میلیون تومان تفاوت قیمت طلا و نقره که مورد تقاضای آقای دکتر میلیسپو بود باید قاعدتاً جزو همین ۳۴۰ میلیون طلا و ۴۳ میلیون نقره که قیمت طلا و نقره پشتوانه است باشد مگر اینکه بانک معادل نود و سه میلیون تومان طلا و نقره غیره از این پشتوانه داشته باشد و اما در خصوص سیصد میلیون تومان قیمت طلا و نقره که از اسکناس های منتشر شده پیشتر است این اضافه آیا بواسطه نزل پول ایران بدست آمده یا قیمت طلا و نقره بالا رفته است ؟ ... »

در صورت اخیر باید قیمت طلا و نقره در تمام دنیا ترقی نموده باشد و حال آنکه اینطور نیست و بواسطه انتشار زیاد اسکناس پول ایران نزل کرده است و ترقی روز افزون زندگی دلیل صحت این معنا است .

اگر طلا و نقره را بترخ بین المللی یعنی لیره را بموجب قرارداد مالی متغیرین ۱۲۸ ریال حساب کنیم ارزش پشتوانه همان است که هست نه کم شده است و نه زیاد ولی اگر



پشتوانه را بیتی که در بازار داد و ستد میشود حساب کنیم بطوریکه آقای مدیر کل بانک حساب نموده اند قیمت طلای پشتوانه از ۳۴۰ میلیون به ۷۲۰ میلیون و قیمت تهره از ۴۳ میلیون به ۹۰ میلیون میرسد و نظر باینکه بر طبق ماده هبم قرارداد مالی که از این قرار است : « دولت شاهنشاهی ایران اقدامات لازمه بعمل خواهد آورد که پول رایج ایران بقدر کفایت جهت معاملات بازرگانی و مالی بین گروه استرلینگ از طرفی و ایران از طرف دیگر در دسترس باشد . »

تقاضای متغیر معدود به مبلغ و زمان نیست و تا چنگ هست هر مبلغ که بخواهند میتوانند از ما ریال بخواهند در اینصورت مسکن است کار بجائی برسد که مجموع اسکناس های منتشر شده مساوی بصفر شود و آنوقت است که آقای مدیر کل بانک بفرماید هزار ها میلیون طلا و تهره داریم و بکسی هم چیزی مدیون نیستیم .

برای اطلاع پوشیده نیست که اسکناس وقتی پیش از حد لزوم منتشر شود ولو اینکه پشتوانه آن صد درصد طلا باشد ارزش آن کم میشود و در نتیجه خرج ترقی مینماید خصوصاً اینکه آن قسمت پشتوانه که در خارج کشور است و به موجب قرارداد مالی در اختیارمان نیست که هر وقت لازم باشد بر دم داده شود و اسکناس جمع آوری شود و علاجی که بنظر بعضیها رسیده این است که بوسیله وضع مالیات آنها را از مردم بگیرند و دفع فاسد با قسد نمایند و فقط پشتوانه را میتوان برای ممالک گروه استرلینگ بکاربرد آنهم بشرط اینکه آنها خود در مضیقه نباشند و مقررات جنگی آنها را از فروش کالا بخارج منع نماید و ششماه بعد از چنگ هم که انقضای موعد پیمان است وقتی میتوان پشتوانه را گرفت که بسا ترحم کنند و نخواهند تحبيلات دیگری بنمایند زیرا بر طبق فصل چهارم پیمان و ضمیمه آن که از این قرار است :

« قرارداد مخصوصی منعقد خواهد شد مابین دولت متحده و دولت شاهنشاهی ایران که معین خواهد کرد که بعد از چنگ ابدیه و اصلاحات دیگری که دول متحده در خاک ایران انجام داده باشند بچه شرایط بدولت شاهنشاهی ایران واگذار شود . » که ضمیمه پیمان این قسمت از فصل چهارم را چنین تفسیر می کند : « راجع بقهره دویم از فصل ۴ مسلم است که این پیمان متضمن شرایطی نیست که مستلزم آن باشد که دولت ایران مخارج و عملیاتی را که دول متحده برای مقاصد نظامی خود انجام داده باشند و برای حوائج ضروری ایران ضرورت نداشته باشد عهده دار شود . »



پس از ایراد نطق مذکور در فوق ، بانک ملی ایران در سی ام خرداد ۱۳۲۳ نامه ای منتشر نمود که آنرا نیز از روزنامه «ایران» شماره ۷۴۶۵ نقل مینمائیم :

### نامه بانک ملی ایران

روزنامه ایران - چون آقای دکتر مصدق در جلسه یکشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۲۳ مجلس شورای ملی تحت عنوان سؤال از آقای نخست وزیر اظهاراتی راجع بوضع اسکناسهای منتشره فرمودند بانک ملی ایران لازم دید توضیحاتی در این باب داده شود .

۱ - در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۲۰ جمع کل اسکناسهای منتشره :

۱۸۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال بود که در مقابل آن ۲۲/۷۷۶/۲۱۶/۸۲۵ گرم طلای خالص با ارزش قانونی ۳۱۰۰۹۹۰۱۴۸۷ ریال و ۱/۳۸ و ۱۰۴۸۷۷۷۸۰۰۰۰۱ گرم تهره خالص با ارزش قانونی ۳۵۹۰۳۶۶۰۶۶۷ ریال پنی جمعاً ۶۷۰۰۳۵۷۰۱۵۴ ریال طلا و تهره که ۳۷ و ۲۴ درصد

علت تئید نرخ لیره - اسکناسهای منتشره میشه پشتوانه فلزی موجود بود و کسری آن نامیزان ۶۰ درصد بوسیله جواهرات سلطنتی تضمین شده بود .

۲ - در شهریور ۱۳۲۰ نرخ رسمی لیره ۸۰ ریال بوده بلکه از تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۱۸ در ۶۷ ریال تثبیت شده بود. از سال ۱۳۱۷ بعد که «گواهی فروش اوز» برقرار گردید تنها دولت میتوانست بزخ رسمی ارزش خریداری نماید، کلیه خریداران دیگر میتوانستنی برای تهیه ارز گواهی فروش اوز تعمیم نمایند و باین ترتیب نرخ لیره برای آنها بطور متوسط در حدود ۱۸۰ ریال تمام میشد .

در آن تاریخ نرخ لیره هیچگونه تأثیری در ارزش قانون طلا و نقره نداشت .  
۳ - در ۲۷ آبان ۱۳۲۱ پشتوانه فلزی ۳۷ درصد اسکناسهای منتشره بوده بلکه جمع کل اسکناسهای منتشره بالغ بر ۳۰۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال بود و در مقابل آن ۳۰۱۲۹۰۴۷۴/۳۵۵ گرم طلای خالص نوایران و خارجه و ۱۰۴۸۷۰۷۹۶۰۱۸۲/۶۰ گرم نقره خالص موجود بود که این مقدار فلزات بزخ قانونی برابر ۲۲/۰۲ درصد اسکناس های منتشره میشد .

۴ - قانون ۲۸ آبان ۱۳۲۱ که انتشار اسکناس را از وظایف هیئت نظارت اندوخته اسکناس قرارداد مقرر داشت که طلا و نقره بر اساس نرخ بین المللی ارزیابی شود. در اجرای قانون مزبور ، نرخ قانونی طلا از ۱۳/۶۵۶ ریال هر گرم به ۳۶/۴۸۱ ریال و نرخ نقره از ۰/۲۲۳ ریال هر گرم استاندارد به ۰/۴۰۸ ریال ترقی داده شد و در نتیجه نسبت پشتوانه بیزان ۵۰/۱۶ درصد رسید و کسر آن تا میزان ۶۰ درصد از محل جواهرات سلطنتی تأمین گردید. تفاوت حاصل از تجدید ارزیابی در آن تاریخ و همچنین تفاوت های دیگری که تا آخر سال ۱۳۲۲ از تبدیل ارز به طلا و تفاوت خرید و فروش اوز حاصل گردید بالغ بر ۹۳۱۰۷۴۵۰۰۸۴/۶۵ ریال میگردد که در قسمت نشر اسکناس بانک ملی ایران بعنوان اندوخته نگاهداری شده و این مبلغ هیچگاه مورد مطالبه وزارت دارایی یا رئیس کل دارایی نوده است .

۵ - طلای پشتوانه تماماً در خارجه نوده بلکه ۲۹۰۴۴۵۰۱۲۶/۰۷۱ گرم آن در تهران زیر کلید هیئت نظارت اندوخته اسکناس میباشد .

۶ - مبلغ ۹۳۱۰۷۴۵۰۰۸۴/۶۵ ریال اندوخته جزو طلا و نقره نوده بلکه بطوریکه در بند ۴ متذکر شدیم وجه نقدی است که موجود میباشد .

۷ - راجع باظهارات آقای مدیر کل بانک که در بعضی روزنامه ها درج گردیده توضیح میدهد که تذکر ایشان راجع به ارزش پشتوانه بزخ بازار تهران در پاسخ پرسشی بود که در این باره از ایشان شده بود و گرنه بطوریکه در کلیه گزارش های بانک اهم از وضع های پانزده روزه که در غالب روزنامه ها منتشر میشود و تراز نامه سالانه و گزارش مجمع عمومی ملاحظه میشود طلا و نقره پشتوانه بر اساس نرخ قانونی، که مبتنی بر بهای فلزات مزبور در بازارهای بین المللی میباشد، ارزیابی میشود .

۸ - اظهار راجع بانکه مسکن است کار بجایی برسد که مجموع اسکناس های منتشره شده مساوی به صفر شود واضح نبود - اگر مقصود این است که در اثر ازدیاد اسکناس و کم بودن کالا مسکن است قیستها از سطح ضللی هم بالاتر برود تازه این اظهار راجع بیولی که صد درصد پشتوانه طلا و ارز قابل تبدیل بطلا دارد صندق نمیکند .

۹ - اینکه اظهار کرده اند پشتوانه را فقط میتوان در مسالک گروه استرلینگ بکار برد این مطلب در مورد طلا صحیح نیست زیرا بوجوب قرارداد مالی ایران و انگلیس طلای

دریافتی را ممکن است در صالک گروه استرلینگ و کانادا دولت های متعده امریکامورد استفاده قرارداد .

۱۰ - راجع به نظریکه برای پول ایران خواسته اند لازم است بار دیگر تذکر داده شود که پول ایران از محکمترین پولهای جهان میباشد و اگر ضلای بطور نا معدود قابل تبدیل به کالا نیست این نکته بهیچوجه مربوط بقوه خرید آن نمیشد بلکه بواسطه اشکالات وموانعی است که موقناً بواسطه اوضاع جنک وجود دارد . بانك ملی ایران

### انجمن پولی ومالی ملل متفق

در تیرماه ۱۳۲۳ که انجمن پولی ومالی ملل متفق در «برن و وودز نیو هاسرت» (یکی از ایالات متعده کشور امریکائی شمالی) تشکیل میشد دولت ایران آقایان ابتهاج رئیس بانك ملی ود کتر علی اکبر دفتری رای زن سفارت ایران در واشنگتن و دکتر تھی

نصر نماینده بازرگانی

خود را در نیویورک

مامور انجمن مزبور

نمود، برای جلب توجه

دولت در جلسه ۳۶

مرداد دکتر مصدق

نطقی ایراد نمود و از

آقای ساعد نخست

وزیر استوالی کرد که از

مذاکرات مجلس شماره

۱۳۱۳ صفحه ۹۰۹ تا

۹۱۴ نقل میشود :



آقای ابوالحسن ابتهاج مدیر کل بانك ملی ایران  
مردوم دکتر علی اکبر دفتری رای زن سفارت واشنگتن

امیردستان بالا بانك آقای دکتر سید تھی نصر نماینده بازرگانی  
ایران در نیویورک بعث نمایندگی دولت در انجمن پولی ملل متفق  
در «برن و وودز» شرکت داشتند

نایب رئیس : آقای دکتر مصدق برای جواب سؤالیکه جناب عالی در موضوع پول ایران وانصهارات فرمودید آقای نخست وزیر حاضرند .  
دکتر مصدق - در بیست و یکم خرداد از جناب آقای - نخست وزیر دوسؤال نمود که تکرار میکنم :

۱ - در این موقع که دولت به کنفرانس پولی واشنگتن نماینده میفرستد برای اصلاح پول ایران چه نظر دارند؛ در صورت امکان مجلس را از دستوری که بشما پندد دولت در کنفرانس میدهند مستعضر نمایند .

۲ - برای ورود کالا با ایران چه فکری فرموده اید - آیا تصور میفرمایند

اگر انحصار موقوف شود و تجار بتوانند کالا وارد کنند وضعیت مردم از این هم بد تر شود؟

سؤال اول از این نظر شده بود که در کنفرانس پولی و اشتراکیت بتوان علاجی برای اعاده وضعیت پولی ایران بحال قبل از جنگ نمود. معلوم شد که کنفرانس بین‌المللی برای موضوع دیگری تشکیل شده و جناب آقای نخست وزیر گزارش آنرا بعرض مجلس میرسانند تا عامه مستحضر شوند و چون اصلاح پول ما بستگی تامی بسائل اقتصادی دارد اینجناب سؤال خود را در الفای بعضی از انحصارها و اصلاح پول با هم عرض میکنم و انتظار دارم که آقای نخست وزیر راجع به هر یک از آنها نظریات خود را بفرمایند و اقدام نمایند. که از محیط حرف خارج، بدایره عمل وارد شود.

اول - چنین تصور میکنم که انحصار تمام کالائی که امروز با دولت است عملی نیست و هر چه این رویه ادامه یابد بر ضرر ملکیت است و روزی خواهد رسید که مردوانی از آن شایسته تر، نتواند خساراتی را که از این بابت به ملت رسیده است جبران کنند من عرض نمیکنم که بواسطه الفای انحصار تجار میتوانند بقدر احتیاج ما کالا وارد کنند و جامعه را از وضعیت کنونی خلاص نمایند. زیرا که در موقع جنگ و شاید تا چندی بعد از جنگ هم متفقین بقدر توانائی خود از حیث تولید و وسایل حمل برای هر کشور سهم معین میکنند و از آن نیشود تجاوز کرد ولی عرض میکنم از آنچه هم که متفقین برای ما معین نموده اند که متناسب با عده ساکنین و احتیاجات ما نبود مقدار مهمی وارد نشد و قیمتها بسیار ترقی کرده است، آن مقدار هم که وارد شده بواسطه سوء اداره به مردم نرسید و قسمتی از آن فاسد شد و اگر سوء اداره نبود چرا در ظرف چند ماه چهار نفر که «راپسون» و «لپ» و «هانس» و «فرکن» باشند یکی پس از دیگری متصدی کار «کالای خارجی» شدند؟

اگر مقصود دولت اجرای اصول جیره بندی است منافاتی ندارد باینکه سه رقم از کالای مورد احتیاج عمومی از قبیل قند و چای و قماش را تجار وارد کنند و با دستور دولت و نرخى که معین میشود یا سود عادلانه در مقابل کوبن بفروشند و چون تجار یا سرمایه خود کالا وارد میکنند هیچوقت کالا در انبارهای دولتی نخواهد ماند که هم فاسد شود و مردم از آن منافع نگردند و هم بعضی از مقامات مربوطه متفقین اینطور قضاوت کنند که در ایران مقدار مهمی از کالا چون مورد استفاده نیست فاسد شده و همین مطلب سبب میشود که از سهمیه ما بکاهند؟

و اما اینکه اجازه ورود بهر کسی که داوطلب است داده شود و یا بشرکت های خاصی که برای این کار تشکیل میشود، من تصور میکنم که اگر اجازه بدون قید و شرط بهمه کس که داوطلب است داده شود نظارت دولت عملی نمیشود و دولت نمیتواند آنجائی را که تغلف شده کشف نماید ولی اگر برای هر یک از این سه رقم کالا شرکت های خاصی تشکیل شد و آنها تمهید نمودند که مقررات دولت را در خصوص جیره بندی و قیمت اجراء نمایند کار تسرکز پیدا میکند و نظارت دولت عملی نمیشود و شرکت ها نمیتوانند بیش از سود مقرر استفاده کنند و مثل دوره دیکتاتوری قسمت مهمی از سرمایه ملکیت در بعضی شرکتها تسرکز یابد.

دوم - برای اصلاح پول تصور میکنم بهر صورتیکه هست باید مقدار مهمی اسکناس را از جریان خارج نمود. اگر دلیل عمده ترقی معارج کم بودن کالای خارجی است چرا نسبت به چیزهایی که در خود ملکیت تولید میشود قیمت فوق العاده بالا است، اگر کسی

میتوانست قبل از جنگ یا صد تومان يك اسب بخرد امروز همان اسب را با هزار و پانصد تومان نمیتواند تهیه کند و همچنین اگر يك رأس گاو یا چهل تومان تهیه میشد امروز با هشتصد تومان تهیه نمیشود ترقی ارزش زندگی بیشتر مربوط «تورم پول» است. مملکتی که تا قبل از جنگ ۱۸۰ میلیون تومان اسکناس آنرا اداره میکرد کارش بجائی رسیده که امروز ۷۰۰ میلیون تومان اسکناس در جریان است، هیچکس نمیتواند بگوید که قشون متفقین بتدري بود که ایجاب نمود ۵۲۰ میلیون تومان اسکناس بیشتر در جریان گذارده شود. بقیده من باید پول از این «تورم» درآید و برای اینکار فعلا دوراه در نظر است.

(۱) - چون فتح و پیروزی نصیب متفقین و آخر جنگ نزدیک است باید با کمک کتد که ماده ۳ مالی از حیث زمان و مبلغ محدود شود یعنی مردم بدانند که متفقین باز چه مبلغ از ما ریال میخواهند تا نگرانی که از محدود بودن این ماده دارند مرتفع شود و از بدل این مساعدت نباید مضایقه کنند زیرا که مملکت قادر نیست بیش از این متضرر شود.

(۲) - چون قیمت ها رو بتنزل است گذشته از اینکه کالا هر چه بیشتر در بازار بیاند بیشتر فاسد میشود تنزل قیمت هم سبب میشود که دولت زیاد متضرر شود.

میکویند که دولت از معامله برنجی که نموده چون در مقابل وجه کالایی از قبیل قماش و بلور آلات گرفته ۲۶ میلیون تومان متضرر شده است و نیز میگویند که موقع معامله شرکت برنج رشت حاضر بوده که معامله را خود قبول کند و ۴ میلیون هم بدولت نفع بدهد و ضرر دولت از این راه نیست که کالا در موقع معامله زیاد قیمت شده بلکه برای این است که کالا در انبار مانده و ارزش آن کم شده است از آقای نخست وزیر انتظار دارم که اطلاعات خود را بفرمایند تا معلوم شود که ۲۶ میلیون تومان ضرر از چه جهت است و با اینکه کالا فروخته شده چه طور تحقیقا میگویند ۲۶ میلیون تومان ضرر است؟

عقیده من این است که نگاهداری کالا يك روز هم صلاح نیست و هر ساعت که آقای نخست وزیر در تصمیم فروش تأخیر کنند و در این باب غفلت نمایند ایشان مسئول خسارات مملکتند (۱) تا کالای موجود بیش از این فاسد و از صورت معامله خارج نشده و قیمت تنزل نموده است باید فروخته شود تا جامعه از استیصال درآید و دولت هم بیشر از این ضرر نکند در خانه عرض میکنم که از فروش کالا هر قدر عاید شود دولت حق استفاده ندارد و باید از بابت قرضی که وزارت دارائی بیانک ملی دارد حساب شود و معادل آنچه بیانک رسیده اسکناس از جریان خارج و جواهرات از پشتوانه اسکناس حذف شود زیرا معقول نیست که بانک در مقابل اسکناس بکسی جواهر بدهد آنگاه که بانک بخواد در مقابل پول جواهر بدهد و روزی است که هیئت تصفیه جواهرات را بفروشد و قیمت آنرا پیشی دبان غرما کند، بودن جواهرات جزو پشتوانه سبب میشود که دولت با این وثیقه از بانک زیاد قرض و بانک را بی اعتبار کند.

نخست وزیر - جواب آقای دکتر مصدق را تهیه کرده ایم ولی چون خیلی مفصل است از مقام ریاست تننا دارم که آقای معاون پارلمانی بخوانند چون يك قدری حالم خوب نیست.

نایب رئیس - بفرمائید. با اجازه مجلس آقای «دکتر نصی» جواب را قرائت می فرمایند. (شرح زیر قرائت نمودند)

راجع بسؤال اول آقای دکتر مصدق که استعلام فرموده اند «در این موقع که دولت بکنفرانس پولی واشنگتن نماینده میفرستد برای اصلاح پول ایران چه نظری دارند».

(۱) - نماینده این پیشنهاد مفهرا دولت مساعد اجرا نکرد و دولتهای بعد آنقدر مساعد نبودند که اجناس فاسد و یا ازاهیتی که زمان جنگ داشت افتاد و قیمت مہمی از این کالاها مدتی بعد از جنگ به تن بعضی بفروش رفت و زبان مہمی بخرات کشور وارد گردید.

خاطر نماینده محترم را مستحضر میدارد که اساساً کنفرانس پولی و اشنکتن برای تثبیت نرخ بین‌المللی پول کشورها در زمان بعد از جنگ تشکیل گردیده و یکی از مقاصد کنفرانس این بوده است که بدولتهای شرکت کننده پیشنهاد شود برای تثبیت بهای ارز و حفظ آن جهت میادله بین کشورها در صندوق بین‌المللی و همچنین بانکی که برای کمک مالی به کشورهای شرکت کننده تأسیس میگردد سهم و شریک گردند.

در این کنفرانس مذاکراتی درخصوص تثبیت نرخ بین‌المللی پول کشورها بعمل آمده و البته دولت از نظریات و تدابیر متعنه در کنفرانس با اطلاع مجلس شورای ملی استفاده خواهد کرد. ولی مسئله اصلاح پول ایران که مربوط به تعدیل نرخ اسکناس و تهیه وسایل برای برگشت اسکناس های زائد بانک ملی میباشد از مسائل مهمه است که مورد توجه خاص دولت قرار گرفته و امید است طبق برنامه هائی که تهیه میشود در آینده مخصوصاً بلا فاصله بعد از جنگ اصلاحات مورد نظر بعمل آید.

البته بر آقایان نمایندگان پوشیده نیست که در ظرف مدت این جنگ غالب کشورها ناچار گردیده اند مبالغ هنگفتی اسکناس برای مخرج فوق‌العاده خود منتشر نمایند و چون امروزه کالا باین کشورها نیز مختل گردیده هزینه زندگی بطور خارق‌العاده ترقی نموده و اشکالات مالی و بحران اقتصادی در همه جا بوجود آمده است و هر یک بقتضیات وقت و توجه جمل و پیدایش این اشکالات در رفع این بحران کم و بیش چاره جوئی هائی نموده اند ناگفته نماند که در غالب کشورهای دیگر حال ترقی هزینه زندگی با عدم برگشت اسکناس به بانک محدود بوده و تدابیر و تصمیماتی که جهت اصلاح آن اتخاذ شده است مشخص و معین میباشد ولی تنها اجرای این تدابیر و تصمیمات نظر باینکه باینه مالی ما و ساختمان اقتصادی کشور وفق نمی‌دهد مشکل ما را در موقع جنگ حل نمیکند زیرا در ایران نظر به



آقای ساعدالله (ساعداوزاره) اولین نخست‌وزیر  
مورد اعتماد مجلس ۱۴

توسع عمل پیدایش این اشکالات علاج هر یک باید جداگانه که با مقتضیات محیط و وسایل اجرایی آن موافقت داشته باشد بعمل آید و بهین جهت در اساسنامه شورای اقتصادی که اخیراً بتصویب هیئت دولت رسیده است تثبیت ارزش پول و تعدیل نرخ اسکناس و همچنین برگشت اسکناس زائد به بانک ملی در رأس کلیه مسائلی که باید مورد بررسی اشخاص بصیر واقع شود قرار گرفته است ولی اصلاح پول ایران در زمان بعد از جنگ بسهولت انجام خواهد گرفت زیرا خوشبختانه ایران یکی از ممالکی است که بواسطه داشتن ارز و طلا میتواند بعد از جنگ اوضاع مالی و اقتصادی خود را بحال طبیعی قبل از جنگ اعاده دهد.

این ارز و طلائی که ایران در نتیجه اجرای قرارداد مالی خود با متفین بدست آورده است بهترین وسیله ای برای برگرداندن اسکناسهای زاید بانك ملی ایران و در عین حال تنزل هزینه زندگی میباشد باین ترتیب که در موقهیکه ارزی را که در نتیجه اجرای قرارداد های مالی با متفین بدست آورده ایم برای وارد نمودن کالا بفروش میرسانیم بانك ملی ایران مجبور خواهد بود ریالی را که در قبال ارز مزبور دریافت میدارد و پشتوانه آن همان ارزی بوده است که بفروش رساننده از گردش خارج کند.

با این حال هر قدر بتوانیم در آن موقع بیشتر ارز موجودی خود را مصرف کنیم بهمان تناسب از مقدار پول در گردش کاسته خواهد شد و بهمان نسبت کالا وارد کشور خواهد گردید و در نتیجه در هزینه زندگانی تظلیل قابل ملاحظه بوجود خواهد آمد. البته اجرای این منظور محتاج بداشتن برنامه اساسی دقیق است تا بعد از جنگ بتوانیم از این اندوخته برای ایجاد و بسط قوه تولید کشور استفاده نموده و نقشه عمران و آبادی مملکت را عملی سازیم. بدیهی است لازمه این موضوع این است که از حالا در فکر آن باشیم و با اجرای نقشه های صحیح تدریجی اوضاع را طوری تعدیل نماییم که در خانه جنگ و دوره که تا تثیت اوضاع اقتصادی جهانی در پیش داریم دچار عوارض نشویم و تا آنجا که ممکن است بوسیله اتخاذ سیاست بانکی و پولی عاقلانه و سیاست مالیاتی صحیح ترتیبی دهیم که اوضاع مالی و اقتصادی کشور بهبودی یابد و موجودیهای فلزی و ارزی ما که يك تروت ملی است و در نتیجه محرومیتهایی بدست آمده مصون بماند.

چندی است که برای جلوگیری از فرار سرمایه و خروج ارز از کشور اقداماتی بعمل آمده است و بعلاوه در نظر است که از اکنون با جلب نظر اشخاص بصیر و مطلع معلوم شود بعد از جنگ ورود چه نوع کالائی برای کشور ضروری است که اندوخته ما صرف ورود کالا های غیر ضروری نگردد.

در جواب سؤال دوم جناب آقای دکتر مصدق که استعلام فرموده اند « برای ورود کالا بکشور چه فکری شده و آیا تصور میرود که اگر انحصار موقوف شود و تجارت بتواند کالا وارد کند وضعیت مردم هم از این بد تر شود » بهر من میرساند:

بطوریکه خاطر آقایان مستعضر است خرید و حمل کالا مخصوصاً کالاهایی که مورد احتیاج عمومی است از قبیل قند و شکر و چای از سایر کشورها آزاد نبوده بواسطه نبودن وسایل نقلیه و سایر اشکالات موجوده این کالاها طبق سهمیه که قبلاً تعیین و موافقت میشود با ایران بفروش میرسد. البته نسبت به میزان و مقدار آن اخیراً نیز مذاکره و اقداماتی بعمل آمده است که تا آنجائی که ممکن است بیشتر مساعدت نمایند.

موضوع انحصار در مواقع عادی غیر از زمان جنگ همواره مورد بحث و اختلاف بوده عده آنرا بصلاح امور اقتصادی کشور دانسته و دسته آزادی کامل تجارت را بهترین وسیله بسط و توسعه بازرگانی داخلی و خارجی و ازدیاد ثروت کشور تشخیص داده اند و البته دولت فعلی هم اگرچند کثونی و اشکالات مالی و اقتصادی موجود نبود بازرگانی آزاد را بحال کشور نافع تشخیص میداد؛ لیکن اکنون که سهمیه واردات کشور از قبیل قند و شکر و قماش و چای که جزو مایحتاج اولیه و ضروری عموم اهالی کشور است از طرف متفین ما تعیین و پس از ورود بخش آن باید طبق اصول معموله در کلبه ممالک با جیره بندی صورت گیرد موضوع آزاد نمودن کامل تجارت این کالا همانطور که جناب آقای دکتر نیز متذکرند و متوجه میشا شد صرف نظر از اینکه منظور را تأمین نمیکند بلکه با نظر دولت های فروشنده این کالا

ها نیز وفق نیده‌دهد و از همین نقطه نظر نوات اخیراً ضمن طرح و پیشنهادات متقابل در خصوص سهمیه کالا‌های وارداتی پیشنهاد نموده است که موافقت حاصل شود کالا‌هایی که ورود و استفاده آنها بدولت اختصاص داده شده بتوان بوسیله بنگاه هائیکه در تحت نظر دولت تشکیل میشوند و دولت آنها را رسماً مصرفی میکند وارد شود.

این پیشنهاد کاملاً منظور جناب آقای دکتر مصدق را تأمین میکند و در نتیجه اجرای آن بازرگانان خواهند توانست سرمایه خود را با رعایت شرایط و مقررات مربوطه بکار بیندازند. موضوع قابل توجه این است که از انحصار و جیره بندی این کالاها نفعی عاید دولت نمیشود و انجام این ترتیب در کلیه ممالک بمنظور تأمین رفاه و آسایش اهالی بوده و میباشد زیرا در چنین موقعی که کلیه وسایط حمل و نقل و کارخانجات در دست دولتهاست دولتهای متفق حاضر نخواهند بود معمول کارخانجات مزبور را با وسایط غلبه خود حمل نمایند و در اختیار اشخاص بگذارند که در هر وقت و بهر قیمتی که بخواهند فروش برسانند.

امروز این کالاها بمنظور تجارت از کشوری بکشور دیگر حمل نمیشود بلکه کالا‌های مزبور بین ممالک متفق طبق اصول و مقررات مخصوصی تنسیم میگردد و نباید این کالاها که با قیمت نازل اختصاص باهالی یک کشور داده میشود موجب سوء استفاده همه معدودی قرار گیرد. و علاوه بر فقدان وسایط نقلیه آزاد و همچنین فقدان بازار خرید و فروش آزاد قط دولت میتواند با قیمت مناسب این کالاها را در دسترس عموم بگذارد.

در خاتمه خاطر محترم آقایان را مستحضر میدارد که در کشور ما هنوز کالا‌های مورد جیره بندی در بازار آزاد نیز رسماً معامله میشود که در سایر ممالک بی سابقه میباشد با انتظاری که دولت در اصلاح امور جیره بندی و بخش کالا دارد امید است بزودی رفع هر گونه نگرانی بعمل آید.



نسبت بمطالبی که جناب آقای دکتر مصدق علاوه فرموده اند جداگانه جواب عرض میشود:

در مورد ماده سه قرارداد مالی که پیشنهاد مینمایند از حیث زمان و مبلغ محدود شود تصدیق میفرمایید که چون خاتمه جنگ نزدیک میباشد و مدتی است که مخارج متعین در ایران تقلیل کلی یافته است نظر جناب آقای دکتر در این باب تأمین و مخصوصاً بتبدیل صدی شصت لیره های مورد نظر بطلا به بیچوجه جای نگرانی باقی نمینماید.

جناب آقای دکتر راجع بتوقف کالاها در انبار که بالنتیجه منجر بفساد آنها میگردد نیز اشاره فرمودند برای استحضار خاطر ایشان عرض می‌کنم که مدتی است دستور داده شده کالاها را از انبار خارج و در دسترس عموم بگذارند و در نتیجه اقداماتی هم در خارج کردن کالاها از انبارها بعمل آمده است ولی نسبت بتوقف کالا‌هایی از قبیل قماش و بلبور آلات که با برنج معاوضه گردیده و در نتیجه مبلغ معتابویی ضرر متوجه دولت شده است در چندی قبل شرحی در این خصوص به وزارت دارائی نوشته شده که موضوع را رسیدگی و چگونگی امر را گزارش دهند. البته پس از اعلام نتیجه اقدامی که لازم است بعمل خواهد آمد. اینک فرموده اند از فروش کالا هر مبلغی عاید شود نوات حق استفاده نداشته و باید بابت قروضی که وزارت دارائی بیانک ملی دارد حساب شود و معادل آنچه بیانک رسید اسکناس



از جریان خارج گردد توضیح میدهد که کالای موجود در کشور که متعلق بدولت میباشد بر دو نوع است: یکی کالاهایی که وزارت دارایی برای توزیع بین اهالی وارد نموده و دیگری کالایی که محصول کارخانجات داخلی کشور میباشد. وجوه حاصله از فروش این کالاها آنچه مربوط بکارهای خارجی است باید مجدداً صرف خرید کالا های مورد نیاز گردد و در مورد کالا هایی که محصول کارخانجات داخلی است وجوه حاصله باید به صرف خرید مواد اولیه و هزینه کارخانجات برسد و بطوریکه قبلاً عرض شد از این نوع معاملات معمولاً نفعی عاید خزانه دولت نمیشود تا بتوان از این باب قروض بانك ملی ایران را پرداخت تا اسکناس های مربوطه از گردش خارج گردد. ضمناً علاوه مینماید که دولت مصمم است بهیچوجه قرضه تازه ننماید و نسبت برداشت قروض گذشته بطوریکه ملاحظه فرموده اند در بودجه کشور همه ساله مبلغی در قسمت هزینه برای استهلاك تدریجی پیش بینی شده است.

اینکه اشاره فرموده اند که بهتراست جواهرات از پشتوانه اسکناس حذف شود زیرا روزی خواهد آمد که هیت تصفیه مجبور خواهد شد که جواهرات را ب فروش رسانده و قیمت آن را بین دیانی که اسکناس در دست دارند غرما کند البته خاطر نماینده محترم مستعضر است که فعلاً ۵۰/۱۶۶ پشتوانه پول ایران فلزات قیمتی و فقط کسر آن تا میزان ۶۰ درصد از محل جواهرات سلطنتی تأمین گردیده و باین ترتیب هیچگاه نباید تصور نمود که روزی بانك مجبور شود که جواهرات خود را بین دیان غرما کند و بلاوه طبق ماده ۱۰ قانون اصلاح قانون واحد و مقیاس پول مصوب اسفند ماه ۱۳۱۰ بیانك ملی اجازه داده شده است که تا اعاده اوضاع عادی اقتصادی از تأدیه مسكوك و یا شمش طلا خودداری نماید و در قانون دیگری همین اجازه نیز در مورد ترقه بیانك ملی داده شده است در صورتی که چنین تصمیمی برای فلزات قیمتی گرفته شده جای هیچگونه تکرانی برای جواهرات که پشتوانه اسکناس است باقی نخواهد ماند.

نایب رئیس - آقای دکتر مصدق فرمایشی دارید ؟

دکتر مصدق - خیر عرضی ندارم .

### پیشنهاد برای جلوگیری از زیان خزانه کشور

در سال ۱۳۲۳ یعنی سال مخوفی که مردم ایران بواسطه کمبود غله در بدترین وضعی بحیات پر مشقت خود ادامه میدادند مقامات متفقین قریب ده هزار تن غله از دولت ایران خریداری و از مرز خارج نمودند؛ چون دولت بهای خرید مازاد گندم را بمالکین هر تنی سه هزار ریال میپرداخت مقامات متفقین هم قیمت گندم تحویلی را میخواستند بهمان مبلغ بادولت حساب کنند در صورتی که دولت برای خرید و جمع آوری مازاد گندم دستگامی داشت که صد ها هزار تومان خرج آن میشد بنابراین قیمت گندم از تنی شش هزار ریال هم تجاوز میکرد برای جلوگیری از زیان خزانه دولت در جلسه ۲۱ مرداد ۱۳۲۳ دکتر مصدق پیشنهاد نمود که قیمت غله که از مازاد مالکین تحویل متفقین میشود دو برابر قیمتی باشد که دولت بمالکین میپردازد .

این پیشنهاد با وجود مخالفت وزیر دارائی و یکی از مسئولان مجلس مورد تصویب و تأیید اکثریت نمایندگان قرار گرفت. اینک متن پیشنهاد و توضیحات نماینده اول تهران و جواب وزیر دارائی از مجله مذاکرات مجلس شماره ۳۱۳ صفحه ۵۱۹ تا ۹۳۳ مورخ ۲۱ مرداد ۱۳۲۳ نقل میشود:

نایب رئیس - پیشنهاد آقای دکتر مصدق بعرض مجلس میرسد.

(پیشنهاد آقای دکتر مصدق بشرح ذیل قرائت گردید):

ماده ذیل را بجای ماده ۲ دولت پیشنهاد مینمایم:

ماده ۲ - قیمت غله ای که از مازاد مالکین مستغین تحویل داده میشود دو برابر قبلی

است که در هر محل دولت بمالکین میپردازد.

دکتر مصدق - قبل از اینکه در توضیح پیشنهاد وارد شوم لازم میدانم عرض کنم

که از امر بکا «میسون» در ایران نیست مازان دولت يك مستشار و عده مستخدم استخدام نموده ایم و اگر من و هموطنانم از آنها انتقادی کنیم اقتصاد مادر روابط بین المللی ایران و آمریکا بلااثر است - من یقین دارم که ملت آمریکا حاضر نیست یکی از افراد آن ملت مستخدم و حقوق بگیر این ملت باشد و باما اینطور رفتار کند ملت ایران هیچوقت دفاعی که دولت آمریکا در سال ۱۹۱۹ از او نمود فراموش نمی کند و همیشه خود را بکمک و مساعدت آن ملت مستظهره میدانند و محرومیتی که جناب «دریغوس» و خانم

معتز مشان در جامعه ایرانی داشته حاکی از احساسات پاک و بی آلاشی است که ملت ایران نسبت بملت آمریکا دارد و بیش از این لازم نیست که من هموطنان خود را معسر فی کم و راجع به پیشنهاد عرض میکنم که بین مستخدمین آمریکائی و من روابط خصوصی و سابقه بدی

نیست که نسبت بآنان بخواهم اعمال فرض کنم - من در این مجلس هر وقت عرض نموده - ام از نظر انجام وظیفه و خیر این مملکت بوده است - همه میدانند که کشور ما میچوقت احتیاج بگرفتن مازاد نداشت و چون محصول اطراف طهران کفاف مصرف اهل شهر را

نی نمود دولت باتشکیل اداره «تثبیت غله» از نقاط دور و نزدیک گندم میخرید و آن را برای مصرف نان تهران حمل بر کز میکرد و وصول مازاد بصورت فعلی که گاه باین عنوان که کشور باید مثل سایر ممالک جیره بندی شود و گاه بعنوان اینکه مالکین بی انصاف جنس را اختکار

می کنند و مردم ناتوان را ازها در میآورند تصمیمی بوده که بعد از ورود مستغین اتخاذ شده است زیرا تجربه ثابت نموده که جیره بندی فعلا علی نیست و گندم هم چیزی نیست که محترک بتواند آن را برای مدت نامحدودی حفظ کند، گندم و یا آرد در ظرف یکسال مصرف میشود

و فروش کالای انحصاری اعم از غله و آرد و قند و چای و قماش در بازار آزاد که دکتر از آن جلوگیری نکرد عرایض من را ثابت می کند - من از دکتر میلیسپو هشت فقره سؤال که یکی از آنها راجع بمازاد سال ۱۳۲۲ است، نموده ام و بهیچیک جوابی نداده ام معلوم شد که امتناع

دکتر از دخالت دولت در امور اقتصادی برای این نیست که امضای وزیر دارائی در مراسلات سبب تأخیر کار میشود بلکه دکتر میخواهد که از تصمیمات او کسی مطلع نشود و هر چه میکند در پرده باشد و مستور بماند و اگر بن جوابی تمیداد می توانست توضیحاتی بیشت دولت و یا

توسط وزیر دارائی ب مجلس و یا بوسیله مصاحبه در روزنامه هام منتشر کند و خود را از اتهاماتی که بار نسبت داده شده پاک و میرا نماید اگر یکی از سوالات من که راجع بمازاد غله سال ۱۳۲۲ بود جواب می داد معلوم شد که در سال قبل فقط از این بابت مملکت بچقدر ضرر -

نموده است. میگویند که در آن سال متفقین از صد هزار تن غله کمتر نبرده اند و گفته های دکتر که در این سال بقدر ۳۵۰ هزار تن غله محتاج است که ۳۰۰ هزار تن آنرا مالکین میدهند و ۵۰ هزار تن آن را هم باید از زارعین گرفت، که شکر خدای را وصول مازاد از زارع موقوف شده، این مطلب را ثابت می کند. اگر متفقین صد هزار تن در سال ۱۳۲۲ برده باشند باید به نرخ رسمی دولت ۳۰ میلیون تومان پرداخته باشند و نرخ رسمی دولت تناسبی با قیمت سایر کالاها نداشت زیرا قبل از جنگ يك گاو از قیمت دو خروار گندم تجاوز نمی کرد ولی با نرخ رسمی سال ۱۳۲۲ يك زارع که بعد متوسط یش ار چهار خروار محصول ندارد باید قیمت ده خروار گندم را بدهد و برای خود يك گاو تهیه کند اگر قبل از جنگ زارع با ۱۲ تومان یک دست لباس بخرید امروز با ۱۲۰ تومان نمی تواند آن را تهیه نماید، گذشته از اینکه متفقین می بایست لا اقل بنا ۶۰ میلیون داده باشند سی میلیون ندادند، سکه بزرگی هم بکشاورزی برای اینکه نرخ غله کم است وارد شده است، اگر من پیشنهاد مینمودم که قیمت مازاد مالکین را زیاد کنند ممکن بود تصور کنند که می خواهم حمایت از نوع مالاک بکنم ولی انصراف من از این پیشنهاد سبب نباشد که مملکت از تصمیم دکتر، سی میلیون تومان ضرر برد. اگر دکتر بگوید که مصالح عمومی مرا وادار کرد که يك تن گندم سیصد تومان بخرم و سیصد تومان هم برای تشخیص مازاد و وصول و حمل و تحویل آن خرج بکنم و آنرا بهمان قیمت خرید بخباز بدهم ایراد وارد نیست هر کس يك نظری دارد ایشان اینطور تشخیص داده اند که خزانه دولت در منافع عمومی مملکت برای هر يك تن گندم سیصد تومان ضرر بکشد ولی دکتر نمیتواند بگوید که مصالح متفقین چنین ايجاب میکند که با آنها هم همینطور معامله نمایم لذا وظیفه مجلس شورای ملی است که از معاملات اضرائی او جلوگیری کند و نرخ غله که به متفقین داده میشود خود مجلس تعیین نماید اگر نمایندگان ملت نتوانند این کار را بکنند از دکتر که اجنبی است چرا باید انتظار داشت؟! اگر متفقین بتوانند از نرخى که مجلس معین میکند غله را ارزانتر تهیه کنند راه باز است و بازار دراز، هیچکس نمیتواند از حمل غله بوسیله کامیونهای متفقین جلوگیری کند بنابراین متفقین می توانند آنچه لازم دارند تهیه و حمل کنند کما اینکه در سال ۱۳۲۲ غیر از معاملاتى که با دولت نمودند در بازار آزاد هم غله خریده و حمل نمودند و اگر نتوانستند تهیه کنند البته بسراغ دکتر میروند، از مجلس هم راضی میشوند برای اینکه نرخ مجلس از نرخ آزاد هم کمتر است در خاتمه عرض میکنم که قسمت مهمی از تشکیلات پر عرض و طول اداره غله و نان برای حوائج متفقین است در این صورت انصاف نیست که دولت غله از آن قیمتی هم که برای اوتام میشود کمتر معامله کند و از بابت مخارج اداری و کسرایه حمل متضرر شود. (صحیح است)

**جمعی از نمایندگان -** پیشنهاد آقای دکتر مصدق مجدداً قرائت شود (شرح سابق قرائت شد).

**وزیر دارائی (آقای ابوالقاسم فروهر) -** البته اطلاعاتی که بنده خدمت آقایان عرض میکنم چون منتظر این پیشنهاد آقای دکتر مصدق نبودم اطلاعاتی نخواهد بود که متکی بیک ارقام معین و مشخصی باشد يك چیزهایی که ممکن است بعضی آقایان پرسانند: آن اندازه ای که بنده بغاظر دارم متفقین در سنوات گذشته مقدار زیادی از حیث اجازه ورود گندم و آرد بایران كلك کردند مخصوصاً در سنه ۱۳۲۱ بموجب آماریکه کمیته خاورمیانه داده است و بچند روز پیش بنده گرافتم از برای اینکه در سال ۱۹۴۵ چه چیزهایی

بایران تخصیص میدهند دیدم که ۲۵ هزار تن گندم و حبوبات بایران کمک شده است و این قسمت مهمی بوده است که از قحط و غلای ایران در سال ۱۳۲۱ جلوگیری کرده است و قسمت اعظم اینها هم بنهران آمده است و بصرف صومی کشور رسیده است (رفیع - ۲۵ هزار تن هم دولت شوروی داده است) اجازه بفرمائید یک قسمت مهم هم دولت شوروی در همان سنه از گندمپاتی که بوسیله راه آهن حمل شد بکشور ایران کمک کردند همچنین بموجب اطلاعاتی که دارم در سنه ماضیه از برای حمل غلات از نقاط مختلفه کشور بطهران دولتین شوروی و انگلیس کمکهای شایانی بیا کرده اند؛ چون ما وسیله کافی نداشتیم و آن-ها توانستند که یک قسمتهای مهمی از غلات بایران بفرستند. راجع بمآزاد ۱۳۲۳ هم البته با توضیحاتی که آقای رئیس کل دارائی « با آقایان نماینده گان داده اند ما هنوز امسال تعهدات خودمان را جمع آوری نکرده ایم و از همان مآزاد ماضیه داریم نان شهر را تأمین میکنیم، سی و چند هزار تن جنس هم که در سیلوری تهران موجود داریم از همان جنس های پارسال است مربوط بمحصول امسال نیست و از این بابت نگرانی نیست، حتی متعین بما یک کمکهای دیگری هم کردند مثلاً اخیراً ماه ۳۰۰ تن جنس در زابل داشتیم که حملش بتهران بصره ما نبود مبادله کردیم و معادل آن جنس هم در بصره گرفتیم. بنده تصور میکنم که ما سراغ نداشته باشیم که چیزی بمنفقین داده شده باشد تا مشمول این پیشنهاد آقای دکتر باشد ولی آن چیزی را که اطمینان دارم خوب البته در هر تشکیلاتی یک نواقص و یک معایبی موجود است ولی بطور قطع میتوانم بگویم تا جنس خوراک این کشور تأمین نشود بکسی جنس داده نمیشود؛ زیاد هم هست نگرانی هم نیست.

نایب رئیس - آقای ملک مدنی مخالفید باین پیشنهاد؟

ملک مدنی - بله.

نایب رئیس - بفرمائید.

ملک مدنی - بنده از این جهت مخالفت میکنم که ما تا وقتی که احتیاجات کشور



آقای ملک مدنی نماینده ملایر در مجلس ۹۴

خودمان تأمین نشود اجازه نمیدهم که هیچیک از دوا، خارجی از دولت ما غله خرید بکنند، مخصوصاً امسال که احتیاج ما محسوس است. چون امسال باران نیامده است و قسمتهای جنوب کرمان و فارس و بنادر همه احتیاج دارند که بآنها جنس داده شود بنده اینجا عرض میکنم اطلاعاتیکه از سال گذشته دارم بنده خودم جزو کمیسیون بودم؛ ما خودمان هم دو جریان کار کمیسیون غله و جمع آوری بودیم؛ مجلس هم تماس داشت - همانطوریکه آقای وزیر دارائی اظهار کردند در سال ۱۳۲۱ عرض کنم کمیته خاورمیانه جنس بمآداد. مقداری هم دولت شوروی داد که از راه همین بندر شاه بطهران آمد و کمک مؤثری هم بود؛ امسال هم جنس نداریم که بآنها بدهیم. بنده اینکه مخالفت کردم برای این است که اگر این پیشنهاد تصویب بشود مفهوم خارجیش این است که ما بآنها جنس بدهیم یعنی آنها جنس تپه

بکنند از این جا و حال آنکه ما اجازه نمیدهیم و غیر قانونی است که آنها از اینجا تهیه جنس بکنند و بزنند بنا بر این این پیشنهاد لزومی ندارد.

نایب رئیس - آقای دکتر فرمایشی دارید بفرمائید.

دکتر صدق - اولا آقای وزیر دارایی بتمام معنی از کارشان بی اطلاع

هستند اسم وزارت سرشان است ولی رسمی ندارند و موضوعی که فرمودند جنس از زابل به هندوستان رفته عرض کنم از محصره بطهران برای ما آمده آن کرایه جنس و آردی که از محصره بطهران برای ما آمده مبلغ زیادی است که از یک میلیون هم تجاوز می کند کرایه ازش گرفته اند و همین آردی را که باید خودشان از محصره ببرند به هندوستان آن قسمت حمل و کرایه را که از آن کسر نکرده اند پس سرکار بقدر بنده از مالیه اطلاع ندارید وزیر مالیه هستید ولی اطلاع ندارید چیزی که عرض کردم من... آقایان عرض نکردم که متفقین جنس ببرند حرفهای من را با شنیده دارید در مجلس جاوه میدهند. بنده چه وقت عرض کردم که متفقین از این ملک جنس ببرند. من عرض میکنم که متفقین يك مقدار جنسی را که تقریباً از صد هزار تن قندری کمتر بوده است یا بیشتر بوده است از این کشور برده اند. بنده از آقای دکتر میلیسیو خواستم بن صورت بنده و نداد. البته این مقدار جنس را پارسال از مالیه ملک ما گرفته اند، این جنس را که آنها میگیرند باید آقا منصفانه با ما رفتار کنند آنها اگر بمایک مساعدتی در کار خیریه یا در کار اعانه میکنند این ربطی به معامله تجارتنی ندارد از معاملات خیریه آنها کمال تشکر را داریم، همیشه دولت و ملت ایران از همراهی متفقین خود متشکر است و لسی مسئله معامله آقا غیر از این است. من عرض میکنم که شمایک جنسی را از مردم بعنوان مازاد می گیرید تنی ۳۰ تومان ب مردم پول میدهند بعد يك مأمورینی دارید که مازاد را باید تشخیص بدهند، مازاد را وصول بکنند، مازاد را حمل کنند. بانبار مرکزی بیاورند و در انبار مرکزی بهر کجا که متفقین بخواهند تحویل بگیرند برده شود، از برای کرایه بعد متوسط وزارت مالیه هر تنی هفتاد تومان حساب می کند، کرایه این جنس را که خود دولت میپردازد از محل تا بدست متفقین برسد ۷ تومان از هر تنی کرایه میگیرد آنوقت شما يك اداره بر عرض و طولی باسم اداره «نان و غله» دارید که ما هیچو اداره نان و غله ای در ایران نداشتیم، اداره غله و نان در واقع از نظر مصالح متفقین تشکیل شده با آن بودجه عرض و طولی، از نظر چنگ و مصالح تشکیل شده است. شما امروز بیش از تنی سیصد تومان که بمالك میدیدید خرج وصول این مازاد می کنید و بعد این وصولی مازاد را که ششصد تومان هر يك تن تمام می شود و بمتفقین تحویل میدیدید سیصد تومان، این معامله معامله ملا نصرالدین است. يك کاری نکنید که در مصالح ملکنتی نباشد، کی با اجازه میدهد که ما ششصد تومان گندم بخریم و برای متفقین از راه دوستی سیصد تومان بفروشیم. بنده عرض میکنم که اگر متفقین خریدند این پیشنهاد بنده مشروط بشرط است بنده عرض میکنم بشرط اینکه متفقین خواستند از ما جنس بگیرند بقیعتی که تمام شده باید از ما بگیرند نه اینکه نصف قیمت را هم ما ضرر بکنیم و این ضرر را هم بملت تحویل کنیم (صحیح است) تقریباً حساب این مسئله، یعنی تفاوت حساب این قضیه سی میلیون تومان میشود، اگر خریدند با آنها اینطور حساب کنید، اگر هم نخریدند که نخریدند چیزی هم نخریدند و چیزی هم ندادیم. اگر متفقین باقوه که دارند می فرمائید نمی توانند از خارج معامله کنند و بزنند... يك وقتی است که شما حرف میزنید يك وقتی است که از حرف یا بیدان عمل می گذارید؛ کی است که امروز از کامیون متفقین جنس در آورد، مگر پارسال غیر از آنچه که از اداره مالیه و دولت گرفته اند در بازار آزاد

معامله نکرده اند؛ مقدار زیادی هم جنس در بازار آزاد معامله کرده اند و بردند اگر متفقین توانستند از تنی شصت تومان کمتر بخرند. شامی توانید مازاد را وصول کنید؛ شما وقتی که مازاد خودتان را وصول کردید دیگر چه کار دارید که متفقین میخرند یا میبرند؛ شما باید مازادتان را با کمک نظم و ترتیب وصول کنید بعد متفقین در بازار آزاد اگر هر یک تن شصت تومان خریدند بسیار خوب است اگر تنی سیصد تومان نتوانستند تهیه کنند می آیند خدمت شما و می گویند آقا ما از شما این جنس را شصت تومان می خریم؛ پس بنده این عرض را کردم، عرض نکردم که متفقین جنس ببرند یا نبرند بنده گفتم این جنسی که می خرید با موافقت دولت و ملت باشد حالا می خواهد بکنید می خواهد نکنید.

نایب رئیس - آقا یانیکه با پیشنهاد آقای دکتر مصدق موافقت قیام نمایند (اگر برخاستند) تصویب شد.

کتابخانه تخصصی  
ع. د. ک. ک. خالقی



## رد اعتبار نامه

### آقای حاج رحیم آقاخوئی نماینده اول تبریز

در جلسه مورخه ۱۲ تیرماه ۱۳۲۳ مجلس ۱۴ اعتبار نامه آقای حاج رحیم آقاخوئی نماینده اول تبریز مطرح و پس از مخالفت آقای شریعت زاده نماینده بابل مورد رای واقع شد

در آن جلسه عده نمایندگان حاضر ۹۹ نفر بودند و چون پیشنهاد رای مخفی داده شده بود بعد از اخذ آراء ۴۸ مهره سفید (موافق) و ۴۸ مهره سیاه (مخالف) شماره شد و سه نفر هم بواسطه امتناع رای نداده بودند لذا اعتبار نامه تصویب نگردید عقیده اکثریت نمایندگان این بود که اعتبار نامه رد شده است ولی عقیده دکتر مصدق برخلاف اکثریت بود آنرا «بلا تکلیف» میدانست زیرا طبق اصل هفتم قانون اساسی که در شانزدهم نور ۱۳۲۹ قمری بدین قرار تفسیر شده: «مراد از عبارت آخر ماده هفتم قانون اساسی اکثریت آراء وقتی حاصل میشود که بیش از نصف حضار رای بدهند این است که رد یا قبول مطالب مطرح شده وقتی حاصل میگردد که بیش از نصف حضار برد یا قبول آن مطلب رای بدهند» اعتبار نامه رد نشده و عده رای دهندگان مثبت و منفی مساوی بودند و میبایست مجدداً مورد رأی واقع شود ولی نمایندگان اکثریت بعضی «ملاحظات سیاسی» که صلاح مملکت نبود اعتراض دکتر را مورد توجه قرار ندادند و بالتبجه اعتبار نامه نماینده اول تبریز را مردود دانستند (۱) اینک نطقی که دکتر مصدق در این باب نموده از روزنامه «اطلاعات» شماره ۵۵۱۰ پانزدهم تیرماه ۱۳۲۳ در صفحه بعد نقل میکنیم:

(۱) - در مجلس ۱۴ سوی اعتبار نامه خوئی اعتبار نامه آقایان دری (نماینده درجز) پیشه‌وری (نماینده دوم تبریز) مردود گردید - اعتبار نامه آقایان حبیب‌الله، حبیط (نماینده سقز) مراد ریگی (نماینده بلوچستان) اساساً مطرح نشد و شیعه مأمور رسیدگی با انتخابات تهران بجای آقای علی اصغر حکمت که بعد از استعفای آقای مومن اللطیف از تهران دوازدهمین و کیل شناخته شده بود، آقای حسین نهرا را نماینده شناخت و مجلس هم تصویب کرد - آقای دری نیز مجدداً از درجز انتخاب و مجلس هم اعتبار نامه اش را تصویب نمود.

آقای دکتر مصدق - بنده عراضی دارم که بطور کلی راجع بدو موضوع است یکی در خصوص اعتبارنامه آقای خوئی است که نظریه خود را مطابق اصل هفتم قانون اساسی باید برض آقایان برسانم ( در این موقع عده ای از نمایندگان که مخالف بودند همه نمودند ولی دسته دیگر اظهار داشتند بفرمائید ) بنده عراضی را که در مورد آقای خوئی مینمایم مربوط بشخص ایشان نیست بلکه از این جهت است که عمری است بآذربایجان ما اراتت دارم زیرا این مردمان پاک واجد تمام صفات خوبند ( صحیح است ) مردمان وطن پرست، مردمان درست و مردمان مقتصدی هستند و بهر کاری که اقدام کرده اند یسرفت نموده اند در اقتصادیات بدرجه ای رسیده اند که هیچکس حرفشان نشده است . بنده بطور کلی داخل جریان انتخابات و شخصیت آقای خوئی نمیشوم همین قدر بطور خلاصه عرض میکنم که اصل هفتم قانون اساسی و تفسیر آن در مورد آقای خوئی درست انجام نشده است البته در مجلس سابقه ای وجود دارد که همان طور که آقای دکتر طاهری فرمودند مستعین جزو مخالفین محسوب میشوند ولی این در موردی است که رأی بقیام و قعود گرفته شده باشد نه بوسیله مهره زیرا در موقعی که رأی بوسیله قیام و قعود گرفته میشود تشخیص اینکه مستعین کیست دشوار است باینجهت مستعین را جزو مخالفین محسوب مینمایند ولی در موقه اخذ رأی با مهره چون مهره سفید علامت موافق و مهره سیاه علامت مخالف است پس آنهائی که مهره ندادند نقیاً و اثباتاً عملی از آنها سر نزده است ( صحیح است ) بنا بر این محسوب ساختن آنها در جزو کسانی که مهره سیاه داده اند دور از انصاف و عدالت است - سپس مواد هفتم و نهم قانون اساسی را در خصوص چگونگی اخذ رأی قرائت نموده و اضافه کردند مطالبی را که بنده عرض می کنم نظر شخص خودم است و میخواستم متذکر بشوم که مجلس شورای ملی نباید کاری برخلاف اصول بکند و باید این موضوع مورد رسیدگی قرار گرفته تجدید شود ( آقای ناصر قلی اردلان پس نظر آفاچیست ؟ ) نظر بنده اینست که اعتبارنامه ایشان رد نشده و باید بکسرتبه دیگر بآن رأی گرفته شود .





## کابینه دوم ساعد

کابینه اول ساعد، که بعد از افتتاح مجلس چهارده (اسفند ۱۳۲۲) و استعفاى کابینه سهیلی تشکیل شده بود، پس از مدت ششماه صرف وقت بدون اینکه کوچکترین ماده‌ای از مواد برنامه آن عملی شود منقذ گردید.

پس از چند روز بحران فراکسیون های آزادی - اتحاد ملی - مبین (۱) با هم متحد شدند و در پنجم شهریور ۱۳۲۳ باز بنخود آقای ساعد اظهار تمایل نمودند و نخست وزیر، دولت خود را در نهم شهریور به پیشگاه سلطنت و یازدهم شهریور ۱۳۲۳ بمجلس شورای ملی معرفی نمود و هنگام بحث در برنامه دکتر مصدق نطق جالب ذیل را، که از مجله مذاکرات مجلس شماره ۱۳۱۸ مورخ ۲۰ شهریور ۱۳۲۳ صفحه ۱۰۴۹ تا ۱۰۵۲ نقل میشود، ایراد کرد:

### دو عقیده مختلف

راجع به تمایلی که نسبت با آقای نخست وزیر اظهار شده، در مجلس دو عقیده است: گروهی معتقدند که فراکسیون های آزادی و اتحاد ملی و مبین که اکثریت را

تشکیل میدهند و ایشان اظهار تمایل نموده اند تمایل حقیقی مجلس است و گروه دیگر میگویند که چون فراکسیونها با اتفاق آراء اظهار تمایل نموده و در هر فراکسیون جمعی بایشان رأی نداده اند هر گاه عدم مخالفین از مجموع اعضا سه فراکسیون کسر شود اکثریت مجلس بایشان تمایل نداشته است و باید طبق ماده ۱۰۱ از تمام نمایندگان تشکیل و تمایل مجلس معلوم شود چنانچه حاضر اکثریت شدند نخست وزیری منصوب شوند و وزیرای خود را به مجلس معرفی کنند و حتی بعضی اظهار میکنند که هر عملی که او این دولت صادر شود اگر برنامه او تصویب نشد قانونی نیست و نمایندگان منفرد اظهار نمودند که در سایر ممالک هر فراکسیون نمیتواند اظهار میکند و اعضای مجلس برای اظهار تمایل در یک جا جمع نمیشوند که لازم میدانم در این باب توضیحاتی عرض کنم: در ممالکی که احزاب بزرگ هست اظهار تمایل موضوع ندارد هر یک از احزاب سیاسی

(۱) - این اظهار تمایل برخلاف معمول و سابقه بعمل آمد زیرا جلسه ای که مرکز از تمام نمایندگان تشکیل نشده بود سه فراکسیون مذکور در متن با اتفاق آراء اظهار تمایل ننمودند تا معلوم شود که آقای ساعد اکثریت دارد یا نه در مورد این جریان اکثریت روزنامه های مرکز مطالبی بر له دکتر مصدق نوشتند که از درج آنها در اینجا صرف نظر میکنیم.

که در انتخابات حائز اکثریت شده دولت از آن حزب تشکیل میشود و آنجائی که احزاب بزرگ نیست احزاب کوچک برای تشکیل اکثریت اتحاد می کنند و البته هر فراکسیون نظریات حزب خود را اظهار می کند و فراکسیون هم اکثریت و اقلیت ندارد در این صورت اخذ رأی در مجلس مورد ندارد ولی در این مجلس که انتخاب نمایندگان عموماً حزبی نیست و باید افرادی رأی بدهند قضیه فرق می کند :

۱ - عده زیادی از نمایندگان عضو فراکسیونها نیستند و منفردند و باید آنها هم رأی بدهند و اگر ندهند گذشته از اینکه از حق قانونی خود محروم میشوند ممکن هست عده آراء فراکسیونها بنحست وزیر آفتدر نباشد که او تواند بیاتکای آن آراء قبول مسئولیت کند .

۲ - چون منفردین می خواهند که رأیشان مخفی باشد اگر باهم رأی ندهند و از هر کدام جداگانه رأی گرفته شود نظریه آنها نامین نباشد و آنها را هم نمیتوان مجبور کرد که باهم رأی بدهند .

۳ - موافقت هر فراکسیون با بنحست وزیر دلالت نمیکند که تمام اعضاء فراکسیون با او موافق باشند و تا عدد مخالفین از مجموع اعضاء فراکسیونها کمتر نشود تمایل حقیقی معلوم نمیشود ، پس بهتر آن است که تمام نمایندگان از اعضاء فراکسیونها و منفردین همه در یکجا رأی بدهند تا در اکثریت مجلس اظهار تردید نشود و آنجائی هم که هیچکس نمی تواند از حضور خودداری کند جلسه مجلس است بنا براین تا حد امکان باید کارهای مجلس را با قانون اساسی و نظامنامه تطبیق کرد و گفت که اصل ۲۴ و ۳۴ قانون اساسی راجع برسمیت یافتن جلسات شامل این جلسه هم میشود و باید هر کجا که سه چهارم اعضاء حضور پیدا کنند رأی گرفت تا اخلافاتی که اخیراً روی داده است نظایر پیدا نکنند .

از اظهار تمایل دو چیز مدنظر است :

اول - اگر شاه کسی را بنحست وزیر منصوب کرد و مجلس او را قبول نکرد ایجاد مشکلات نشود .

### منظور اساسی از اظهار تمایل

دوم - از انلاف وقت جلوگیری شود زیرا الزوم ندارد کسی که مورد توجه مجلس نیست اشخاصی را دور خود جمع کند و آنها را برای قبول کار دعوت نماید و بعد مجلس با دولت موافقت نکند ، پس مجلس غیر از اظهار تمایل نظریات دیگری نباید اعمال کند و تنظیم فهرست اسامی نامزد های وزارت از طرف و کلا برای اینکه بنحست وزیر و وزراء را از بین آنها تعیین کند برخلاف اصل ۲۸ مضمون اساسی است که میگوید :

«قواء ثلاثه همیشه از یکدیگر منصل و میناز خواهند بود» و همچنین مخالف اصل شصت و یکم ، زیرا بر طبق اصل مزبور «وزراء علاوه بر اینکه بتنهائی مسئول مشاغل منحصه وزارت خود هستند به هیئت اتفاق نیز در کلیات امور، مقابل مجلس مسئول و ضامن اعمال یکدیگرند» .

وقتی که آقای بنحست وزیر مجبور شود و زرای خود را از بین فهرست اسامی نمایندگان مجلس انتخاب کند بطور میتوان او را مسئول وزراء قرار داد و بهمین جهت هم فراکسیون «اتحاد ملی» که در موضوع تمایل با فراکسیون «میهن» و «آزادی» انلاف داشت از تنظیم فهرست اسامی خودداری کرد مردم انتظار دارند که در این دوره دسته خاص و مستقلی . . .  
(در این موقع آقای دکتر مصدق قدری آب خواست)

## يك واقعه كوچك

يك نفر از نمایندگان - آقایان - آقا ماه رمضان است .  
 دکتر مصدق - آقایان میدانند بنده مریض هستم .  
 سید ضیاء الدین طباطبائی - تظاهر نباید کرد ،  
 مملکت مملکت اسلامی است تظاهر نباید کرد ( جمعی

از نمایندگان اشکالی ندارد مریض هستند )

يك نفر از نمایندگان - «خطاب با آقای سید ضیاء الدین» شما تظاهر میکنید .  
 دکتر مصدق - .. آقا بنده معذرت میخواهم من اهل تظاهر نیستم ، من مریضم و  
 بیست سال است ، سی سال است بر حسب دستور طیب روزه نمیگیرم یا حال مرضی اگر کسی  
 روزه بگیرد چون ضرر دارد برخلاف قانون است . الضرورات تبيح المحظورات « همیشه  
 نمایندگان » .. ( کتب زدن و ابراز احساسات تماشاچیان - زنگ ممتد رئیس )  
 رئیس - چند دقیقه تنفس داده میشود . ( در این موقع پنج دقیقه بعد از ظهر آقای  
 رئیس صندلی ریاست را ترك و جلسه بعنوان تنفس تعطیل و پس از يك ربع ساعت مجدداً  
 بریاست آقای سید محمد صادق طباطبائی تشکیل گردید )  
 رئیس - دو مساعده از نظامنامه داخلی مجلس است که آقای طوسی قرائت  
 مینماید :

ماده ۱۴۳ - مخبرین جرایم و تماشاچیان باید ساکت بنشینند و اگر از طرف یکی از  
 آنها علامت تکذیب یا تصدیق مشاهده شود فوراً اخراج خواهد شد .  
 ماده ۱۴۴ - هر تماشاچی که باعث اغتشاش مذاکرات یا اختلال نظم شود فوراً  
 بمعناکم مرجع جلب میشود .

رئیس - ماده دیگری هست که اگر رئیس به بند مجلس از نظم خارج میشود می-  
 تواند مجلس را موقتاً تعطیل کند زیرا بعضی از آقایان تماشاچیان غیر از لژ وسط مداخله  
 کردند با دست زدن ( صحیح است ) و این مخالف با نظامنامه است ، این است که بنده برخاستم  
 و حالا چون آقایان سابقه نداشتند باین مواد ، قرار شد که این مواد قرائت شود ولی بعداً  
 اگر از طرف بعضی از آقایان مخبرین و تماشاچیان تظاهراتی دیده شود بموجب قانون داخلی  
 مجلس فوراً توقیف یا اخراج خواهند شد ( صحیح است ) - بفرمائید آقای دکتر مصدق .

دکتر مصدق - مردم انتظار دارند که در این دوره دستخاس و مستغلی در مجلس -  
 باشد که با کارهای خوب موافقت کند و بهر پیشنهاد خوبی که افراد یا فراکسیونها مینمایند  
 و همچنین بلوا بیخ خوب دولت رای بدهد ولی اگر دولت لایحه ای آورد که مضر باشد و یا  
 موضوع آن بقدری مهم باشد که مملکت را در خطر بگذارد اول با کثرت اندرز دهد و جامعه  
 را در بنرضی خود شاهد بگیرد و چنانچه اکثریت از راه لجاجت موافقت نکرد از دو کار یکی  
 را بکنند . اگر لایحه دولت از امور نظریست و هر فرد یا جمعی بر طبق عقیده و مرام خود  
 نسبت بآن لایحه نظر خاصی دارد نظامات مجلس را رعایت کنند و در مجلس بیاتند و هر  
 کدام بر طبق عقیده خود رای بدهند و قضاوت آنرا بجامعه واگذارند و چنانچه لایحه مریضه  
 بامر بست که در کار مملکت اثر مهم و حیاتی دارد و برای مملکت مضر است و یا آنرا در  
 خطر می گذارد در اینصورت از جلسه خارج شوند و جلسه را از رسمیت بپندازند چه بسیار  
 چیزهایی که در روابط بین المللی وارد میشود و اگر مجلس تصویب نکرد قوت قانونی ندارد  
 و کان لم یکن فرض میشود و در صورتی که مجلس تصویب نمود جای چون و چرا نیست و  
 باید اجرا شود .

همانطوریکه در مجلس يك «اکثریت» ثابتی لازم است که از دولت حمایت کند. همانطور هم در این مجلس بخصوصی يك «اقلیت» مستقل و قابل توجهی لازم است که در مواقع خطر ناک از منافع مملکت دفاع نماید زیرا که نمایندگان مجلس صلاحی غیر از سوال و استيضاح و امتناع از حضور در جلسه (ابسترو کیون) ندارند. نسبت بامور گذشته از وزراء سوال می کنند و استيضاح می نمایند و نسبت بامور آینده که دولت پیشنهاد می کند و موافق مصالح نیست از حضور در جلسه امتناع می نمایند و جلسه را از رسمیت می اندازند و آنچه در قوه دارند می کنند تا دولت لایحه خود را پس بگیرد و مسکوت گذاردن لایحه صلاح نیست، دولت ها اغلب همین سیاست را بکار می برند و چندی موضوع را تخطیب نمی کنند تا از حرارت مخالفین بکاهند و با بعضی از آنها بازند؛ زمینه که حاضر شد باز لایحه را در دستور بگذارند قبل از طرح لایحه نباید از جلسه خارج شد و وقتی که در کلیات لایحه مباحثه می شود باید تمام معایب و خطراتی که از تصویب آن متوجه میشود گفت تا در مجلس سابقه بماند و از مذاکراتی که میشود جامعه بتواند در موضوع قضاوت نماید و در موقعی که رأی برای مباحثه در مواد گرفته میشود از جلسه خارج شده علت عدم موافقت من با «ابسترو کیون» این بود که موضوع آن مهم و حیاتی نبود. بر فرض اینکه اکثریت با منفردین موافقت میکرد و در جلسه خصوصی اتخاذ رأی میشد یکی از دو حال پیش می آمد: یا اکثریت نصف بعلاوه يك که نخست وزیر آن را قبول می کرد رأی میداد و یا بنسبت اول مقصود منفردین حاصل نمیشد زیرا از «ابسترو کیون» مقصود این نبود که اصل هفتم قانون اساسی تفسیر شده و تا ۳ چهارم از نمایندگان در يك جا جمع نشوند و رأی ندهند رأی که داده شده رسمیت ندارد بلکه نظراین بود اگر تمام نمایندگان در يكجا رأی بدهند نخست وزیر حائز اکثریت نمیشود. در صورت دوم که نخست وزیر حائز اکثریت نشود اکنون هم فرصت از دست نرفته و در موقع رأی به برنامه اکثریت و اقلیت معلوم میشود و بطور قطع نمی توان گفت که اگر همه در يكجا رأی می دادند منفردین غالب میشدند و بهتر همان بود که کار بطوریکه پیش آمد گذشت.

### اتخاذ از دولت اول ساعد

قریب شش ماه دولت آقای ساعد در امور مملکت دخالت داشت خوب است بفرمائید کدام يك از مواد برنامه اجرا شد؟! .

اینکه در موقع معرفی وزراء اظهار نمودند که مذاکرات مجلس در برنامه و بعد استيضاح فرماندار اصفهان پس از آن کار دکتر عیلیپو و استيضاح از وزیر راه اوقات ایشانرا مشغول کرد و باین جهات برنامه اجرا نشد دلیل ضعف و ناتوانی است (ایرج اسکندری - صحیح است) اگر این استدلال صحیح بود از برنامه های دول بزرگ بواسطه اشغال نخست وزیران باید يك ماده هم اجرا نشود و اظهار شکایت از زیادی کار دلیل آن است که در این دولت هم نتوانند کاری صورت دهند.

هر گاه نخست وزیر می فرمودند که اجرای قتره ۳ و ۲ برنامه سابق را جمع بنسبت و مسائل خواربار و حوائج ضروری مردم سعی در تعدیل قیمت ها و تعیین حداقل مسایعحتاج زندگانی و غیره و غیره، جزء اختیارات دکتر عیلیپو است و تا او صلاح نداند عملی نمیشود و برنامه من جنبه تشریفاتی داشت هیچکس نیست که اظهارات آقای نخست وزیر را تصدیق

نکنند (صحیح است) ولی افسوس که از ذکر حقایق خودداری میکنند و همان برنامه سابق را با اضافه مواد دیگری از همان قبیل بمجلس می آورند و می خواهند باز مدتی مردم را بوعده های خود اغفال کنند!!

از نظریات فرا کسیونهای آزادی و اتحاد ملی و میهن راجع باینکه در دولت جدید هیچیک از وزرای سابق شرکت نکنند چنین استنباط میشود که علت عدم موفقیت کابینه سابق «دو زراه» بوده اند اگر مطلب این است ایراد آقای نخست وزیر وارد است که چرا آنها را بکار دعوت نموده اند و الا خودشان نتوانسته اند دولت را اداره کنند و معلوم نیست که باز با چه قدرت و اراده ای وارد کار میشوند و میخواهند شش ماه دیگر هم وقت مملکت را ضایع نمایند (صحیح است) میگویند که ائتلاف فرا کسیون «آزادی» با فرا کسیونهای دیگر موقتی و فقط مربوط به تشکیل این دولت است و بعد فرا کسیون آزادی کاری بدولت ندارد: اینجا است که مطلب قابل توجه است اگر آقای ساعد صلاحیت دارند که دولت تشکیل دهند هر کس که بدولت ایشان رأی میدهد باید نا آخر از آن پشتیبانی کند و اگر صلاحیت ندارند باید از دادن رأی خودداری کنند زیرا دولتی که صالح نیست با یک عمل میتواند جامعه را گرفتار کند - یکی از اعضای آن فرا کسیون اظهار نمود که چون آقای ساعد وعده داده اند قانون ۱۳ اردی بهشت را فسخ کنند و عنقریب موعد وعده ایشان میرسد من از این جهت بایشان اظهار تمایل نموده ام که این دولت را تشکیل دهند و بوعده خود وفا نمایند - مردم میگویند اگر آقای ساعد شخص ثابتی است بعد از اینکه کراراً بد کتر میلیسپو اظهار عدم اعتماد نمود و برای اصلاح قانون ۱۳ اردی بهشت وارد مجلس شد و بواسطه پیشنهاد جلسه سری خارج گردید چه شد که در ظرف چند ساعت در جلسه سری عصر آن روز عقیده اش تغییر کرد، اگر دخالت دکتر در امور مالی و اقتصادی صلاح بود چرا اظهار عدم اعتماد نمود و اگر نبود چرا برای مدت سه ماه بطوریکه میگویند با و مهلت داد.

اگر آقای ساعد میخواست بوعده خود وفا کند باید در رأس وزارت دارائی وزیر مقتدری میگذاشت تا مالیه مملکت و سایر مستخدمین امریکائی را اداره کند و از آنها استفاده ای که مردم انتظار دارند بنماید انتصاب وزیر فعلی ثابت نمود چیزیکه در فکر نخست وزیر نیست همان اصلاح مالیه و مملکت است.

قریب یکساعت است که آئین نامه آزادی آرد که از «شارت اکمفورد» مهم تراست صادر شده و من آن را با آئین نامه جرم «مازاد اف» که ناسخ

### معایب آئین نامه های میلیسپو

حکیم دیوان بلخ است دیده ام و دکتر هر دو را امضاء نموده است و لازم میدانم که راجع به جرم مازاد اف توضیحاتی دهم:

هرگاه غله ای که بانبار دولت وارد میشود افت آن یعنی خاک و مواد دیگر آن غیر از گندم و جو بیش از صدی ۵ نیست و معادل افت باید گندم و یا جو اضافه پرداخت، ولی اگر از صدی ۵ بیشتر است فرض کنیم صدی ۸ باشد بجای صدی ۸ صدی ۱۱ افت میکنند یعنی صدی سه بیشتر که چرا مخترعین اسپایی اختراع نکرده اند که بوسیله آن افت حقیقی گندم را تعیین کنند و جنسی که بیش از ۱۵٪ افت دارد بانبار حمل نکنند.

انتشار و اجرای این دو آئین نامه در گروهی لایحه ایست که دولت سابق برای وصول مازاد معوقه پیش نهاد مجلس نموده است:

دکتر میگوید اگر لایحه تصویب شد آئین نامه ها انتشار و اجرا میشود و اگر نشد

مردم از نان خوب محروم باشند و با اینکه مثل سال گذشته با آرد قاچاق اعاشه نمایند و صاحبان غله هم جریبه را بدهند و از بابت کفاره گناهان مجلس حساب کنند (صحیح است) محصول بدست آمد و خرمن ها برداشته شد و از مؤدبان غله هم جریبه گرفته میشود و مسردم هنوز منتظرند که آئین نامه های دکتر منتشر شود. در این موقع که بابان بنگت نزدیک است و در این وقت که هر ملت می خواهد قضایای مربوط بامور بین المللی را در منافع خود حل کند و کشنی متلاطم مملکت را بساحل نجات رساند وضعیت ما را طوری درست کرده اند که وقت ما صرف جزئیات میشود، آنهایی که طالب ابقای این وضعیتند عقیده بخیر و صلاح مملکت ندارند ما باید مناقشات شخصی و مرامی را کنار بگذاریم و همگی در راه سعادت ایران کار کنیم (صحیح است) ما باید در مصالح عمومی اتحاد کنیم و از هر گونه اختلافی که مملکت از آن متضرر میشود دوری نمائیم تا وضعیت مطابق آمال و انتظار ما شود.

سؤال من از آقای نخست وزیر و جوابهای ایشان وقت مجلس را مدتی گرفت و وعده دادند که کالاهای موجود فروخته شود و در این بارها مانند که فاسد شود و بواسطه پیش آمد صلح از قیمت تنزل کند و از فروش آنها وضعیت بازار بهتر و مضیفه کمتر شود ولی جای تأسف است که سؤال و جواب ما بواسطه اینکه در امور اقتصادی دولت اختیار ندارد نتیجه نداد.

مردم از این زندگی بشک آمده اند، مردم بیچاره و نا توان شده اند (صحیح است) مردم نه نان دارند و نه لباس (صحیح است) و از اولین احتیاجات زندگی محرومند و مرجعی برای شکایت ندارند (صحیح است) در این عالم که کسی نیست بداد برسد پس خدا بفریاد ما برسد.

آقای نخست وزیر! مملکت ایران فقط بزد و کرمان نیست: از بحر خزر تا خلیج فارس کشور ایران است (صحیح است) اگر شما طالب استقلال و تمامیت مملکتید رویه شما مخالف مکتوبات شما است و راهی که میروید برخلاف مصالح ما است، ما باید با هر چیزی که ما را ضعیف کند موافقت نکنیم و از یک سیاستی بنام معنی ملی تعقیب کنیم. من با برنامه بی اصل و بی اساس شما مخالفم من با برنامه سابق و لاحق و برنامه هائی که میخواهید برای چند سال تهیه کنید به پیشنهادی که تقدیم میکنم وعده ای از آقایان نمایندگان هم امضا نموده اند و سالجاری هم امضا کنید.

### یك پیشنهاد مهم و مفید

۱ - تشکیل هیئتی مرکب از ۱۲ نفر از شخصیت ها و اشخاص مطلع و مجرب برای اینکه در مسائل اساسی و مهم مملکت مرجع شور دولت واقع شوند و در لوایح دولت قبل از پیشنهاد به مجلس اظهار نظر کنند و پیشنهادهائی برای خط مشی دولت راجع سیاست خارجی و اصلاحات داخلی تهیه نمایند.

۲ - الغای قانون ۱۳ اردیبهشت

من اشتیاق زیادی ندارم و چیزهائی که قابل هضم نیست نمی خواهم آن دولتی که با حسن نیت است هر وقت که لایحه خوب آورد در برنامه هم که از آن اسمی نباشد مجلس آن را استقبال میکند و کدام مجلسی است که با لایحه دولت خوب موافقت نکند؟

بعضی آنقدر بد بینند که می گویند در مملکت عده ای که جامع شرایط این پیشنهاد باشد نیست و الا آنها وزیر میشدند و دولت از تشکیل چنین هیئتی مستغنی بود، عرض میکنم که این هیئت از آقای مؤمن الملك و امثال ایشان باید تشکیل شود که اگر بواسطه کبر سن

۱۳۹ - انتقاد دولت از عملیات امریکاییها

آنها نمی خواهند و یا نمی توانند وارد کار شوند، دولت که معمولاً از نپ چوان تشکیل میشود از تجربیاتی که بک عمر با آنها عاید شده برخوردار شود. هیچ نمیتوان گفت که دولت از مشورت با اشخاص غیرخواه استفاده نکند و از مشورت با چنین اشخاصی مملکت متضرر شود. چون این پیشنهاد در صلاح و خیر مملکت است لازم دانستم جزو برنامه دولت شود و تقدیم آن حاکی از موافقت امضاء کنندگان با دولت نیست بلکه از این نظر است که دولت آنرا مورد توجه قرار دهد.

از الفای قانون ۱۳ اردیبهشت مقصود این نیست که دکتر در امور مالیه دخالت نکند زیرا قانون استفاده قانون دیکریست و مجلس آن را ۹ ماه قبل از قانون ۱۳ اردیبهشت تصویب نموده است، می گویند که دکتر بواسطه کسالت و کثرت کار نمی خواست قانون مزبور تصویب شود و عده ای از نمایندگان دوره ۱۳ او را بقبول اختیارات اقتصادی و ادار نمودند ایکاش که قبول ننمود و قسمت دارائی را از این بهتر اداره میکرد.

قانون ۱۳ اردیبهشت نه تنها برخلاف قانون اساسی است و مسئولیت وزراء را فلج می نماید بلکه نتیجه ای هم که جامعه از آن انتظار داشت حاصل نشد و یکی از نامه های آقای نخست وزیر که در ۲۷ خرداد ۱۳۲۳ بدکتر نوشته اند مطلب را روشن و آشکار مینماید.

چون آقای نخست وزیر در برنامه خود از الفای آن قانون ذکری نکرده اند نامه مزبور را که بسیار مفصل و حصار را خسته می کند از نظر انجام وظیفه میخوانم تا جامعه بدانند که امضاء کنندگان پیشنهاد غیر از اصلاح این مردم نظری ندارند.

آقای دکتر میباید رئیس کل دارائی!

مراسله مورخ ۲۳/۳/۱۰ شما واصل و از مفاد

آن استحضار حاصل گردید لزوماً توجه شما را براتب

زیر جلب مینماید :

نامه منحل ساعد بدکتر میباید

۱ - موضوع سقوط کابینه که در مذاکرات بآن اشاره شده بود برخلاف آنچه که ذکر نموده اید جنبه سیاسی نداشته است بلکه توضیحی که داده شد مبتنی بر این بود که در مقابل آن قسمت اعتراض نمایندگان که صحیح بنظر میرسد در صورتیکه نتوانید مدارک قابل قبولی در دسترس دولت بگذارید که بتوانند از عهده جواب قانع کننده بر آید دولت وسیله ای برای دفاع از شما و خود نخواهد داشت. از طرفی این مطلب اینطور مستفاد میشود که تصور نموده اید دولت در مقابل فشار افکار عامه و اظهارات نمایندگان تحت تأثیر واقع شده و برای ابقای خود بدون اینکه بایراداتی که میشود ایان داشته باشد آنها را وارد و متوجه شما ساخته است و حال آنکه دولت نمیتواند خود را قانع کند که کلیه جریان امور مالی و اقتصادی که بدست شما اداره میشود مطابق مصالح و مقتضیات کشور بوده و غیر قابل ایراد است. بنا بر این خود نیز طرفدار اصلاحاتی است که ضمن مذاکرات بشما خاطر نشان گردیده ولی متأسفانه نه توضیحات شما کافی و قانع کننده بود و نه حاضر با اصلاحات مورد نظر شده اید با این ترتیب نمیتوان مقصود شما را دایر بر اینکه دولت از نقطه نظر حفظ کابینه و دفاع از آن ناچار با اظهاراتی شده تصدیق نمود.

۲ - اینکه اشعار داشته اید نامه شماره ۱۴۴۷ مورخ ۲۳/۲/۶ شما عنوان ریاست مجلس شورای ملی راجع بتشکیل کمیسیون برای دادن اطلاعات لازم بلا جواب مانده است تصور می رود چون شما حق مکاتبه مستقیم نداشته اید جواب شما داده نشده است ولی راجع

بتوضیحاتیکه در سه یا چهار مورد در خصوص امور اقتصادی بایجانب داده شده متأسفانه قانع کننده نبوده است .

۳ - راجع بشرحی که در خصوص بدی اوضاع در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ۲۴ و قبل از آن نوشته بودید انکار نمیشود که اوضاع در آن تاریخ خوب نبوده است و بهمین جهت اقدام با استخدام شما و سایر مستخدمین امریکائی گردیده و اختیارات وسیعی بشما داده شده ولی باید اذعان نمود که اوضاع در غالب امور تا کنون بهبودی نیافته و هنوز نگرانی زیاد موجود است . این را هم نباید از نظر دور داشت که در سال ۱۳۲۱ در نتیجه بالا بردن قیمت غله در کلیه نقاط کشور هزینه زندگی نیز بطور فوق العاده ترقی نمود ولی انتظار میرفت اختیارات ۱۳ اردیبهشت شما با خوبی محصول آن سال نتایج بهتری بدهد .

۴ - با مراجعه بضرست قیمت ها که طبق ارقام بانک ملی ایران شرح زیر :

سال ۱۳۱۵	۱۰۰	سال ۱۳۱۶	۱۲۱/۱
سال ۱۳۱۷	۱۳۲/۵	سال ۱۳۱۸	۱۴۲/۲
سال ۱۳۱۹	۱۶۱/۹	اسفند سال ۱۳۲۰	۳۱۴/-
اسفند سال ۱۳۲۱	۷۷۸/۳	فروردین سال ۱۳۲۲	۹۴۵/-
اردیبهشت سال ۱۳۲۲	۹۱۰/-	خرداد سال ۱۳۲۲	۸۷۴/-
تیر سال ۱۳۲۲	۹۱۷/-	مرداد سال ۱۳۲۲	۹۸۰/-
شهریور سال ۱۳۲۲	۹۹۳/-	مهر سال ۱۳۲۲	۱۰۳۱/-
آبان ماه سال ۱۳۲۲	۱۰۶۸/-	آذر سال ۱۳۲۲	۱۰۷۶/-
دی سال ۱۳۲۲	۱۰۷۳/-	بهمن سال ۱۳۲۲	۱۰۸۲/-
اسفند سال ۱۳۲۲	۱۰۸۵/-	فروردین سال ۱۳۲۳	۱۱۰۸/-

درج نموده و آنرا برای تقلیل بهای اجناس ملک قرار داده بودید ناگزیر از ذکر این نکته میباشم که بالعکس جدول فوق ترقی هزینه زندگی را بطور محسوس نشان میدهد . بطور کلی میتوان گفت وجود جنگ در دنیا و ورود متعین در ایران و ترقی قیمت غله که در زمان تصدی «مستر شریدن» صورت گرفت و نزدیک شدن قشون آلمان به سرحدات قفقاز به و بسته شدن راه های دریائی هر یک بسهم خود از سال ۱۳۲۰ در بالا رفتن هزینه زندگی مؤثر بوده است ولی تنزلی که از اردیبهشت ۱۳۲۲ تا تیر ماه همان سال یعنی در سه ماه اول تصویب اختیارات حاصل شده فقط نتیجه اثر روحی قانون اختیارات شما بود و بلافاصله در مرداد همان سال رقم ۹۱۷ به ۹۸۰ و در فروردین ۱۳۲۳ به ۱۱۰۸ یعنی به بالا ترین میزانی که سابقه نداشته ترقی یافته است . بطوری که قبلاً ذکر شد ترقی قیمت خواربار و بالا رفتن هزینه زندگی در سال زراعتی ۱۳۲۱ ( خرداد ۲۱ و خرداد ۱۳۲۲ ) به علل مذکور در بالا بطور خارق العاده بوده است و با اینکه این موجبات در سال ۱۳۲۲ وجود نداشته و بطوریکه در ارقام مذکور بالا ملاحظه میشود قیمت ها دائماً در ترقی بوده است .

۵ - جای تردید نیست که همانطور که اظهار نموده اید اوضاع فعلی جنگ مانع از آن بوده است که کالا های مورد احتیاج بطور عادی وارد کشور شود ولی نمیتوان انکار نمود که شما موفق شده اید حتی از تمام سهمیه که متعین ما اختصاص داده اند استفاده کنید . موقعی که با حضور چند نفر از آقایان وزراء راجع به سهمیه قند و شکر ۱۹۴۳ ایران مذاکراتی بعمل آمد در جواب توضیحاتی که از شما خواسته شد چنین اظهار نمودید :

«... کمیته خاور میانه ایران را ۱۲ میلیون حساب نموده و از قرار هر تقری در ماه نیم کیلو



شکر سهمیه معین نموده است که بابت نتیجه سهمیه ایران معادل ۷۲ هزار تن میگردد. از این مقدار محصول داخلی که تقریباً بیست هزار تن میباشد با استثناء ۸ هزار تن که برای مصارف غیر چیره بخشی تشخیص داده اند موضوع سهمیه خالص ایران به ۶۰ هزار تن مقرر شده که از فرامای ۵ هزار تن تحویل داده شود و نیز اظهار نمودید که در سال ۱۹۴۳ کمیته نامبرده عملیات زیر را اجرا نموده است:

الف - قند و شکر که تجار در خارج تحصیل و وارد ایران نموده اند از سهمیه ایران کم گذاشته.

ب - مقدار زیادی شکر فرمز یعنی شکر تصفیه نشده بجای قند و یا شکر سفید داده.

ج - با وجود اینکه شکر وارد شده از طرف تجار را از سهمیه ایران کسر گذاشته اند معادل ۱۸ هزار تن هم از اصل سهمیه نداده.

د - خیلی متأسفم از اینکه در موضوع قند و شکر عملیات و اقدامات شما با منافع عمومی مردم موافق نبوده در صورتی که دولت و مجلس شورای ملی از حیث تهیه و توزیع انواع و اقسام خواربار متناً اختیاری را که در هیچ کشور بهیچ مستخدم دولت داده نمیشود به شما داده است.

ه - از ادوات مهمی که در موضوع قند و شکر عملیات شما وارد است خلاصه از قرار زیر است:

۱ - عده سکنه ایران مطابق تشخیص اداره کل آمار به ۱۵ میلیون بالغ میشود و شما قبول کرده اید که از حیث سهمیه قند و شکر آنرا ۱۲ و از حیث پارچه و غیره فقط ۱۰ میلیون معین نمایند.

۲ - تقریباً در تمام کشورهای خاور میانه سهمیه هر نفر بیش از ۵۰۰ گرم در ماه معین شده و شما با اینکه خودتان معتقد هستید که این مقدار بقدر کافی نبیاشد آن را قبول نموده اید.

۳ - با وجود اینکه تصمیم کمیته خاور میانه بر این بوده است که همین مقدار کم را هم بایران قند و یا شکر سفید یعنی تصفیه شده بدهند شما قبول کرده اید که مقدار زیادی از آن را شکر سرخ یعنی شکر تصفیه نشده بدهند بدون اینکه تفاوت محسوسی را که از حیث دارا بودن مواد قندی در بین شکر تصفیه شده و تصفیه نشده موجود میباشد منظور کرده و این تفاوت را مطالبه نمایند.

۴ - شما قبول کرده اید که کمیته خاور میانه قند و شکر را که تجار ایرانی با هزاران زحمت و خطر مالی در خارج تهیه کرده و با وسایل نقلیه غیر عادی که غالباً کشتیهای بادی بودند است وارد ایران نمایند از سهمیه ایران کم گذاشته شود.

۵ - با تمام مراتب فوق در سال پیش شما اقدام تکررده اید که ۱۸ هزار تن شکر هم که از اصل سهمیه ایران در ۱۹۴۳ کم گذاشته شده است تحویل داده شود. نکات فوق از جمله مسائل مهمه است که شما بر طبق قرارداد و موافق اختیارات وسیعی که در امر خواربار شما داده شده است متعهد و وظیفه دار بوده اید که در آن باب اقدامات جدی بعمل بیاورید متأسفانه نه فقط اقدام مفیدی نکرده اید حتی این وضعیت ناگوار را در موقع خود با اطلاع دولت هم نرسانیده اید تا لایاقل دولت در صدد اقدام بر آید. گذشته از مسائل فوق مطابق اطلاعات و آمار صحیحی که از اداره کل گمرک تحصیل نموده ام تا چندی قبل معادل ۴۹۷۷ تن

عدم اجرای جیره بندی در تمام کشور ۱۳۹

قند و شکر در انبارهای گمرک موجود بوده و شاید تا بحال هم در آنجا بساخی مانده باشد و شما تا چند روز پیش هیچ اقدام مفیدی برای اجازه خروج آن بعمل نیاورده بودید و مقدار زیادی در انبار این تسامح از کالای مزبور فاسد شده و از بین رفته است. در موضوع سهمیه ۱۹۴۴ نیز از بیانات شما چنین مستفاد میشود: «اولاً اقدام خواهد کرد که ۱۸ هزار تن باقی مانده سهمیه ۱۹۴۳ را در ۱۹۴۴ تحویل دهند ثانیاً در چهار ماه اول ۱۹۴۴ سهمیه ماهیانه هم که بالغ بر ۲۰ هزار تن میباشد داده نشده است اگر چه در جواب توضیحاتی که از شما خواسته اند اظهار نمودید که کمیته خاورمیانه وعده داده است که سهمیه چهار ماه اول سال را به سهمیه ۸ ماه بعد اضافه کرده و آنرا تا آخر سال تحویل دهند ولی این نکته مسلم است که هر گاه شما موفق بشوید که در ۸ ماه آخر سال ۱۹۴۴ تمام سهمیه ایران را با باقی مانده سهمیه سال قبل تحصیل نمایید باید روی هم رفته ۸۰ هزار تن شکر در گمرکات جنوب ایران وارد بشود یعنی در هر ماه ۱۰ هزار تن و شما میدانید که برای دولت نه از حیث راه آهن و نه از حیث کامیون به پیچ و خم مسکن نخواهد بود که هر ماه این مقدار شکر را بنقاط لازم کشور حمل نماید چه اولاً میدانید که دولت تمام راه آهن های خود را برای کمک به متفقین و حمل و نقل مهمات جنگی تخصیص داده و فقط روزی ۲۰۰ تن محصولات برای خود دولت تخصیص داده شده است و بنا بر این اگر تمام این مقدار بحمل شکر تنها اختصاص یابد بهیچ قسم کالای دیگری حمل نشود شما موفق نخواهید شد که احتیاجات داخلی ایران را از حیث شکر تأمین نمایید بر فرض اینکه باین امر تا حدی موفق بشوید لازمه این امر محروم نمودن نقاط داخلی کشور از سایر کالاهائی خواهد بود که باید از بندر جنوب حمل شود. ثانیاً با ترتیبی که فعلاً بدستور شما در اداره کل باربری اتخاذ شده است آیا تصور نمی کنید که اداره مزبور با اشکال موفق خواهد شد باینکه از یک طرف تا آخر سال ۱۹۴۴ بحمل شکر مشغول بوده و از طرف دیگر کتدم و سایر حبوبات را که برای تأمین نان شهرستانها لازم است حمل نمایند؟

ثالثاً تصور می کنم این اطلاع را هم داشته باشید که انبار های گمرکات جنوب گنجایش این را ندارد که سالی ۱۰ هزار تن شکر با آنجا وارد گردد و مسلماً با مشکلات حمل و نقل که در بالا گفته شد مقدار زیادی از واردات شکر در هوای مرطوب و با نبودن وسایل لازم برای حفاظت آنها فاسد خواهد شد. با توجه بمصائب فوق باید این نکته را نیز تذکر دهیم که آیا تصور نمی کنید که باین ترتیب اگر تحویل قند و شکر بوقت افتد در آخر سال ۱۹۴۴ بواسطه تحویل نگرفتن قند و شکر بقیه سهمیه را نیز قطع نمایند و اگر این کار را کردند شما چگونه در مقابل کشور ایران زیر بار این مسئولیت خواهید رفت و البته تسدیق مینمایید که استفاده نکردن از سهمیه قند و شکر و غیره خسارات مالی هنگفتی نیز بعایدات گمرک و مالیات ساختمان راه و راه آهن وارد ساخته است.

در ملاقاتی هم که در تاریخ ۱۵ ماه جاری آقای «هانسن» نماینده کمیته تدارکات خاورمیانه با اینجانب نمود اینطور اظهار داشت که از تحویل دادن پنج هزار تن قند و شکر سهمیه ماهیانه بعنوان اینکه طبق اظهار شما موجودی قند و شکر کشور بالغ بر ۳۱ هزار تن میباشد و میزان بخش قند و شکر در ماه بیش از دو هزار تن نیست خودداری نموده اند. مسلم است که هر گاه جیره بندی در سراسر کشور اجرا شود حتی ۵ هزار تن شکر سهمیه مقرر کفاف مصرف اهالی را نخواهد داد و اگر ادارات مربوط نتوانست باشند قند و شکر را طبق مقررات جیره بندی بین کلیه اهالی بخش نمایند دلیل نمیشود که سهمیه مقرر تحویل نگردد با اینکه احتیاج بقند و شکر نهایت درجه زیاد است معلوم نیست این عمل مبنی بر چه اساس

میباشد، خواهشمندم در این خصوص توضیحات بیشتری بدهید که رفع نگرانی بعمل آید. راجع به سهمیه فماش سنه مالی ۱۹۴۳ در جلساتی که با حضور شما و کارکنان امریکایی وزارت دارایی در کاخ وزارت امور خارجه با حضور اینجانب و وزراء مشاور و وزیر دارایی تشکیل شد اظهار داشتند سهمیه ۱۹۴۳ فماش که از ناحیه کمیته خاورمیانه برای ایران تخصیص داده شده فقط هزار تن است از این میزان ۴۸۵ تن توسط کارکنان دارایی در هندوستان خریداری شده و ۳۶۵ تن از سهمیه بیازرگانان ایرانی اختصاص داده شده و دولت هندوستان با بازارگانان ایرانی نسبت باین قسمت از سهمیه ترفیقات مخصوصی داده است و ۱۵۰ تن بقیه فماش را شرکت نفت اختصاص داده اید راجع بموضوع فوق لازم دانستم تذکرات ذیل را بشما داده تقاضای توضیحات بیشتری بکنم.

اولاً - سهمیه فماش که برای مملکت ایران که سکنه اش ۱۵ میلیون است چرا این میزان کم مین شده البته میتواند اظهار نماید که بیش از این حاضر نشده اند برای مملکت ایران سهم تعیین نمایند، در مقابل این جوابی که ممکن است بدهید اظهار میکنم خوب بود از مراتب دولت را مسبوق میکردید تا بوسیله مختلفه اقدام برای بدست آوردن سهمیه بیشتری میشد. با وجود آنکه سهمیه کمی برای کشور ما منظور شده معلوم نیست چرا از این سهمیه معادل ۳۶۵ تن آن را دولت هندوستان با بازارگانان معامله خواهد کرد. راجع باین موضوع بخاطر دارم اظهار نمودید دولت مزبور مایل است تجارت محل استفاده برده و مشتری های قبلی خود را از دست ندهد. البته نسبت بنظریه دولت هندوستان میبایستی جواب دادیم شود سهمیه ای که برای دولت ایران کمیته خاورمیانه تعیین کرده باید بدولت ایران حواله شود نه بتجار و اگر با این استدلال دولت هندوستان قانع نمیشد میبایستی تدابیری در داخله کشور اتخاذ نماید که این مقدار از سهمیه را اولاً بتجار ایرانی وارد نمایند ثانیاً پس از ورود با یک قطع عادلانه ای بدولت ایران واگذار کنند آیا چنین اقدامی بعمل آورده اید یا خیر؟ وثالثاً از اختصاص دادن ۱۵۰ تن از سهمیه فماش مزبور بکارکنان «نفت» همان قسمی که حضوراً تذکره داده شد در صورتیکه بکلیه سکنه ایران که بنا بر احصایه دولت عده آنها ۱۵ میلیون و بنا بر آمار ادعایی کمیته خاورمیانه عده آنها از حیث استحقاق پارچه ۱۰ میلیون است فقط یک هزار تن فماش تخصیص داده بشود بچه علت از این یک هزار تن که باید اولاً بین ۱۵ میلیون سکنه تقسیم شود ۱۵۰ تن یعنی قریب یک ششم آنرا بیست هزار نفر کارگر «شرکت نفت» که باخانواده و بستگان بیش از هشتاد هزار نفر میشوند تخصیص داده اید؟ نسبت باین موضوع آقای «فرگسن» حضوراً اظهار داشتند اولاً عملیات شرکت تبعه ایران هستند ثانیاً دوازده متر برای هر نفر سهمیه فماش تعیین شده ثالثاً قراردادیم مازاد را ذخیره نگاهدارند البته تصدیق مینمایید اصولاً باید در توزیع کالاها در موقع جنگ رعایت تساوی مطلق بعمل آید بنا بر این وقتی که قرار شد هزار تن فماش برای ۱۵ میلیون جمعیت تخصیص داده شود با مختصر محاسبه میتوان گفت تقریباً برای هر یک میلیون نفر سکنه شصت و شش تن و برای هر صد هزار نفر شش تن و شصت کیلو فماش میتوان تخصیص داد، بنا بر این برای برای ۸۰ هزار نفر عمه و خانواده آنها ۱۵۰ هزار تن فماش تخصیص دادن، خارج از هر گونه عدالت و بکلی مخالف اصول جیره بندی است. البته میتوان اظهار کرد که از فماش هائی که از دولت شوروی گرفته میشود و یا در داخله کشور تهیه میگردد جبران کم بود احتیاجات سکنه کشور بعمل خواهد آمد ولی متأسفانه باید اظهار کنیم در سال ۱۳۲۲ با کتر نقاط کشور فماش داده نشده و در پایتخت فقط در ظرف ۱۴ ماه بهر نفری سه متر فماش داده شده و

آنهم بنصف سکنه تهران بعلت عدم رعایت نظم در موقع توزیع قماش نرسیده است درخانه این قسمت را لازم میدانم ببرسم آیا این اظهاراتی که میشود درشمال بیش از ۵ میلیون مترقماش درکارخانه های بهشهر وشاهی موجود وبواسطه تحویل نگرفتن و حمل نکردن دوشرف پوسیدن است صحیح است یا خیر؟ و همچنین اینکه می گویند در گمرکات مقدار زیادی قماش درشرف فاسد شدن است این گزارش هم مبنی بر حقیقت است یاخیر؟ از قراریکه آقای «هایسن» نماینده کمیته خاور میانه باین جانب اظهار کرد( بواسطه آنکه اظهار شده است معادل ۳۲۵۰۰ عدل قماش در کشور بطور ذخیره موجود است سهیمه سه ماهه دوم ایران که ۲۵۰ تن میشود داده نشده است ) خواهشندم اطلاع خود را نسبت باین اظهارات نیز برای اینجانب کنبانوشته و ضمناً نسبت بسهیمه قماش ۱۹۴۴ توضیحات بیشتری بدهید.

۶- برخلاف آنچه اظهار داشته اید موضوع چیره بندی و بخش کالا رضایت بخش نبوده است؛ وضع توزیع قماش که پوشاک قسمت اعظم اهالی کشور را باید تأمین کند بطوری که در بالا ذکر شد عده کثیری از اهالی کشور از استفاده آن محروم مانده و یا اتفاقاً هرگاه طبق مقررات موضوعه اداره توزیع عده قلیلی قرار شده است از آن بهره مند گردند بواسطه اختلال امورفروشگاه و هجوم غیرعادی مردم غالباً از خرید قماش صرف نظر نموده اند ولی آنچه مربوط ببخش قند و شکر میباشد صرف نظر از اینکه بخش این کالا هم تا کنون در کلیه کشور برقرار نگردیده است ولی در تقاطعی که چیره بندی معمول گردیده بواسطه وجود داشتن بازار آزاد سرمایه داران گوین اشخاص کم بضاعت را خریداری و کالای مربوط را با بهای کم ته میل و در بازار آزاد آن کالاها را با قیمت گزاف بفروش رسانیده اند.

۷- بطوریکه شما اطلاع حاصل نموده اید توسط بازرگانان در حدود ۱۲ میلیون دلار اعتبار برای وارد کردن پارچه های ابریشم مصنوعی و غیره از سویس از بانک های امریکا اعتبار باز شده و مقداری از این پارچه ها بکشور وارد و با قیمت خیلی گزاف بفروش رسیده است در صورتی که طبق اطلاعات واصله ۸۰۰ هزار متر پارچه های ابریشمی درشمال موجود و درشرف پوسیدگی است معلوم نیست نگاهداشتن اینگونه اجناس در انبار های روی چه اصلی است مخصوصاً موقمی که مشاهده میشود که از کشور خارج و کالای نادر مرغوبی در مقابل آن وارد میگردد.

۸- بقرار گزارشهای واصله در امر حمل و نقل کالا های دولتی غالباً کسر وزن معتابهی نسبت بوزن مبدأ پیش میآید که در یک مورد بهای کسرورن ذغال وهیزم حمل شده بالغ به ۷ میلیون ریال بوده است از قرار معلوم گزارش جامعی که در این خصوص داده شده مورد توجه و تعقیب قرار نگرفته است.

۹- با مراجعه بقسمت اخیر گزارش اسفند ماه ۱۳۲۲ شما مربوط بکارگزینی معلوم میشود که در اجرای قوانین نظرشخصی خودتان را دخالت میدید. در قانون «استخدام ۶۰ نفر امریکائی» مصوب اول آبان ۱۳۲۲ مصرح است که برای هر رئیس امریکائی يك معاون ایرانی با سمت و حقوق مناسبی تعیین گردد. شما در گزارش مزبور اینطور اظهار نموده اید «تا رئیس امریکائی مدتی سرشغل خود انجام وظیفه ننساید تعیین معاون ایرانی غیر ممکن است» محتاج یادآوری نیست که مفادقوانین مصوبه باید کاملاً اجراء و تجزیه و تعطیل قسمتی از آن بپیچوجه جایز نیست و خصوصاً اینکه منظور اصلی قانون این بوده است که

طرز رفتار آمریکاییها با مستخدمین - - - - - مستخدمین آمریکایی ایران با شریک مساعی معاونین ایرانی که در کارها بصیرت دارند انجام وظیفه نمایند .

۱۰ - غالباً شکایت میشود اتومبیل هائی که جهت تعمیر به تعمیر گاه داده میشود پس از مدتی معطلی مشاهده شده است که نه تنها تعمیراتی که منظور بوده است بعمل نیامورد بلکه بر اثر استفاده نمودن از آنها قسمتی از آن را معیوب و علاوه مقداری از اثاثیه آنها را از بین میبرند جای بسی تأسف است که بجای حفظ و حراست اموال دولت عمداً بتفریط و از بین بردن آن مبادرت میشود و معلوم نیست این عمل را سرچیه بیاید حمل نمود و چه موجبی بر آن تصور کرد .

بطوریکه اظهار داشته اید قسمت اعظم ۹۰۰ کامیونی که سال گذشته در اختیار اداره باربری گذارده شده است از بین رفته و از حیز انتفاع افتاده است البته با اوضاع کنونی و نرسیدن وسایط قلیه بایران فوق العاده جای نگرانی است که بر اثر عدم مواظبت و سهل - انکاری این قبیل خسارات جبران ناپذیر در این موقع سخت وارد آید و مشکلاتی برای کشور ایجاد کند که در نتیجه حمل و نقل خواربار کشور و بخش کالا های انحصاری دچار زحمت و اشکال گردد .

۱۱ - در ضمن مذاکرات حضوری اظهار نمودید که «از بابت تعویل برنج بشورویها در هذمه السنه ۲۶ میلیون و در سال گذشته ۳۰ میلیون تومان ضرر وزارت دارائی میباشد» لازم است توضیح دهید چه نوع وجه میزان کالا برای جبران این خسارت از بشورویها تعویل خواهید گرفت البته تصدیق میفرمائید که این قبیل ضررها همه ساله برای دولت غیر قابل تحمل و باید برای جبران آن راه عملی پیدا نمود .

۱۲ - راجع بشرحیکه داور بر عدم لزوم تشکیل وزارت اقتصاد نوشته بودید متذکر میگردد موضوع تفکیک امور مالی از اقتصادی مربوط به عوامل مخصوص و مسبوق بسوابقی - است که در بالا ذکر شد اضافه بر آنکه در کلبه ممالک اصل تقسیم کار ایجاد نموده است که امور مالی و اقتصادی از یکدیگر مجزا باشد زیرا وظایف مربوط بهریک باندازه ای سنگین است که از تلفیق آنها نتیجه خوب گرفته نمیشود و تجربه این مطلب را ثابت و تأیید نموده - است . نخست وزیر .

این بود مراسم آقای نخست وزیر - راجع بیرنامه، جناب آقای اللهبیار صالح؛ شما که از هر جهت صالحید عرض میکنم که در امور سیاسی کار بزرگ شما این بود که نتوانستید وزیر نوکر باشید و از وزارت دارائی کنار جویی نموده اید - اکنون چه شد که با برنامه که قسمت مهم آن مربوط بقانون ۱۳ اردیبهشت است و دولت در آن حق دخالت ندارد موافقت مینمائید من از شما و امثال شما که در این دولتند سؤال میکنم که موافقت بایک برنامه بی اساسی و تمهید در کاری که شما بعنوان مسئولیت مشترک میکنید و از حیز قدرت دولت خارج است از چه نظرمی باشد و برای اینکه مردم از شما سلب اعتماد نکنند آیا بهتر نیست عدم مسئولیت خود را در این قسمت از برنامه در همین جلسه اظهار کنید و جامعه را بوعده های غیر عملی خود امید وار ننمائید تا جامعه بدانند که شما از ذکر حقایق خودداری ندارید و اظهارات شما را برای آتیه مملکت ذخیره کنند . (جمعی از نمایندگان صحیح است) .

قسمتی از نطق آقای ساعد که در جلسه ۲۶ شهریور در پاسخ نطق دکتر مصدق

ایراد شده از مجله مذاکرات مجلس شماره ۱۳۱۹ مورخه بیست و ششم شهریور ماه ۱۳۲۳

صفحه ۱۰۶۶ نقل میشود:

**آقای نخست‌وزیر** - ...جناب آقای دکتر مصدق راجع به تشکیل هیئت دوازده نفری نظریاتی دادند که موجب تشکر است با تبادل نظر با خود ایشان جنبه‌های عملی این نظریات طرح و توسعه دولت جلب خواهد شد. نکات دیگری که راجع باوضاع عمومی کشور و محرومیت مردم شرحی فرمودند دولت نظریات و اینترادات ایشان را محترم میشمارد و برای بهبودی اوضاع و رفاهیت مردم دولت از نظریات صائب ایشان برای رفع حوائج استفاده کامل خواهد کرد. در موضوع مستشاران امریکائی بنظر من سه ماه مهلت در موقف خود هم معقول و هم صلاح بود. اگرچه قرائت نامه رسمی نخست‌وزیری در مجلس بر خلاف انتظار اینجانب بود ولی حالا که من آن اشاعه گردیدم مراقت و مواظبت خود در امور دولتی شاهد و دلیل است این رویه را نزد دولت جدید تیز از دست نخواهم داد و در اقتضای سه ماه مهلت هر دولتی سرکار باشد نظر و تصمیمات خود را هم بطور روشن بمجلس شورای ملی عرضه خواهد داشت. خیلی خوشوقتیم از اینکه مظاهر دموکراسی در کشور خودمی بینم و حرف‌هایی که باید بدولت گفته شود در پشت این تریبون با کمال صراحت ادا و نمایندگان محترم دولت را بتواقف کارها و جریانات سوء متوجه میفرمایند. در خانها بعضی آقایان نمایندگان محترم می‌رسانم سیاست خارجی ملکت چنانکه سابقاً عرض شده بر پایه پیمان‌های اتحاد با متعین معظم استوار و فتوحات برق آسانی که نصیب از تشبای دلاور متعین ما شده صلح نزدیک را بشازت میدهند و امیدوار است همان طوری که ایران پیش از متواتاری خود در ایران صمیمیت و همکاری با متعین ارجمندهش کوشیده متعین معظم نیز فداکاری‌های ملت ایران را در نظر گرفته بیش از انتظار ایران را از مزایای بیروزی و صلح بهره‌مند خواهند ساخت و برای نیل به آرزوهای خود دولت هفت هائی تهیه و بعد از مشاوره با سفرای خود که عنقریب وارد پایتخت میشوند از نظریات متعنه مجلس مقدس زامنظلع خواهند فرمود. دولت و ملت نجیب ایران باید اطمینان کامل بشرافتند ترین امضاهای سه مرد بزرگ دنیای امروزه داشته باشد (صحیح است) حیات بهتر ملی و استقلال کامل کشور و تمامیت ارضی و امنیت حدود و شور ایران در سایه دولتهای گرانها برای تسلیها تأمین شده است (صحیح است احسن).

## مذرجات روزنامه‌ها و عقاید ارباب جراید

روزنامه «اقدام» در شماره ۵۶۵ مورخ دوشنبه ۲۷ شهریور ماه ۱۳۲۳ نوشت: «تظاهر غلط است زیرا تظاهر خلاف مقصود را ادا میکند و متجاهر صحیح است» آیا این آب پاندازه یک میلیون و چهار صد هزار گز پارچه که سر عزت زنده و کفن مرده است حرام میباشد (مقصود مناشی است که بنام حزب کواده ملی بقیعت چیره بندی از دولت گرفته شده و دوبار از آزاد بقیعت گراف فروخته شده بود-م)

مال دولت و ملت با اعمال خود و قدرت و آلت کردن میلسو و دفاع از او مانند آب می‌رود، آبروی یک ملت بچاک ریخته و ناموس ملک و دین بیاد رفته و آتش حرص و آرزویان خلق اتاده؛ اینها همه هیچ است. آب خوردن آنهم از روی

غفلت یا صراحت حرام است و حال آنکه اگر انسان روزه هم باشد و «توعطاش»  
 میتواند آب بخورد و اگر نباشد بطریق اولی «لا یكلف الیه نفسها الا وسعها»  
 «یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر» اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله و  
 سلم در جنگ «بنی شظفان» که فرمود «فیصل المصرفی ۰۰۰۰» نماز را تعطیل  
 کردند شب شد و نماز عصر ساقط گردید و اجبات مسراتب دارد و امروز اداء  
 واجب برای حیات یک ملت سیه روز در قبال آب مباح یک نوع جنگ و  
 جهاد است.

این عمل بهتر از شرکت در غارت بیت المال مسلمین و گرفتن پارچه بعنوان  
 متفقین یا رنگ کردن خلق با انحصار رنگ است  
 ما خون را از خودیم تو خون کسان انصاف بسده کدام خوبوار تریم !!

گوشت توع خود را مرده و زنده میخورند، تسلط اجنبی را دروا میدارند، خدمت  
 بیگانه مباحات میکنند، دوستی با دشمنان اسلام و صاحب اسلام میکنند، باقوه او  
 مقامات را بهمدستان خود میبخشد، در بهترین عمارات سکنی کرده و تازه ترین  
 اتومبیل ها را سوار میشوند و بالاخره خون رز و خون مردم را میخورند و بسر  
 خوردن آب اعتراض میکنند ...

دکتر مصدق آب میخورد و سایرین مملکت را مانته آب میخورند. او روزه  
 میخورد و آنها روزی خلق را میخورند، او ستر خود را از حیث عوام فریبی دریغ  
 و آنها ستر مردم ایران را از حیث ربودن پارچه پاره کرده اند.  
 همین اعمال سد رمق و ستر عورت خلق را بیاد تباهی میدهد. حمایت دکتر  
 میلیسپو و تسخیر او برای همین اعمال است که مقدمه یک دیکتاتوری دیگری  
 خواهد بود.



روزنامه در ۱۰ مهر و ۱۱ شهریور ۱۳۲۳ شماره ۴۴۹ می و یکم شهریور می نویسد: «دکتر مصدق شخصاً با مسلمانان  
 معتقد و جز بواسطه کلمات مبتذله هیچگاه آرزوی ترک روزه هارا هم نداشته اند و اگر  
 تذکر بایشان داده شد ... خود ایشان منوجه این ترک اولی شده و معتقد خوانند ...»



روزنامه «رهبر» در شماره ۳۹۲ مورخ دهم مهرماه ۱۳۲۳ تحت عنوان «واعظ  
 غیر متعظ» چنین نوشت همان روزیکه در جریان جلسه علنی مجلس سید ضیاء  
 هنگام آب خواستن آقای دکتر مصدق دست آویزی یافته و بنام اسلامیت شروع  
 بموام فریبی و هوچیگری نمود واقعه زیر در سرسرای مجلس اتفاق افتاد.  
 سید ضیاء و عده از نمایندگان در سرسرای مجلس با گروهی کارمندان مجلس  
 و پیشخدمت ها سیگار میکشیدند و آقای «صدرقاضی» نماینده مها باد نیز تعارف  
 مینمودند چون ایشان استکاف کردند سید ضیاء الدین خطاب بایشان گفت:  
 «شنیده ام شما شافی هستید و شافی ها دغائیات را مبطل روزه نیدانند»  
 آقای صدر قاضی در پاسخ گفتند: «بنده اصولاً سیگار نمیکشم اگر چه چنین  
 علی رادور از دیانت و صلاح میبینم»  
 و اعظان کابین جلوه در معراب منبر میکنند  
 چون بخلوت میروند خود کار دیگر میکنند

## مستولیت و وزراء در حكومت مشروطه

در جلسه ۲۳ مه‌رماه ۱۳۲۳ دولت پیشنهاد کرده بود که شماره ارتش ایران در این سال به ۹۰ هزار نفر بالغ و برای کمک «زبینه قانونی بکارمندان اعتباری بمیزان ۱۵۰ میلیون ریال بوزارت جنگ اعطاشود.

پیشنهاد دولت در جلسه ۲۵ مه‌رماه مورد بحث و شور قرار گرفت و مذاکراتی پیش آمد که ارتباطی با موضوع نداشت و ناطقین خواستند از موقع استفاده کنند و راجع بجریان کار وزارت جنگ نظریات خود را اظهار نمایند. اینک بیانات ناطقین از مذاکرات مجلس شماره ۱۳۲۹ مورخ سه‌شنبه ۲۵ مه‌رماه ۱۳۲۳ عیناً نقل میشود:

نطق آقای امیر تیمور

... حالا از فرصت استفاده میکنم و يك نکته دیگر را هم که لازم است باستحضار آقای سرنیپ هدایت میرسانم و اطلاع دارم که در سال گذشته اعلیحضرت همایونی امر و مقرر فرمودند که امور «ارتش» و کلیه اموری که مربوط بارتش است و در تحت



آقای امیر تیمور کلالی نماینده معهد  
در مجلس ۱۴

نظر «وزیر جنگ» نبوده در تحت نظر وزیر جنگ باشد و این امر به را در موقعی که آقای سپهبد احمدی وزیر جنگ بودند صادر فرمودند که کلیه امور ارتش از نظر وزیر جنگ خواهد گذشت از قراری که بنده میشنوم باز هم «ستاد ارتش» احکامی که صادر میکند مستند میکند به فرمان اعلیحضرت همایونی و بنده خواستم عرض کنم که آن امری که پارسال شده است در آن امر به

تغییری داده شده است، در آن تردیدی پیدا شده است؟ و اگر تغییر و تردیدی پیدا شده است این رویه ستاد ارتش برای چیست؟.....



کبیر وزارت جنگ (سرتیپ هدایت) - راجع به ستاد ارتش بنده از موقع استفاده میکنم چون در اطراف این موضوع شاید زیاد صحبت میشود و در روزنامه ها هم نوشته میشود لذا لازم است برای این مطلب یک مرتبه توضیح داده شود. این ستاد ارتش را که ما اختراع نکردیم ستاد ارتش در تمام ارتش های دنیا وجود دارد، علتش چیست؟ علتش این است که وزارت جنگ بطور کلی وقتی صحبت میکنیم وزارت جنگ در تمام کشور. های دنیا دارای دو وظیفه است یک وظیفه را میگویند اداره کردن واحد های ارتش و وظیفه دوم را میگویند اداره کردن وزارت جنگ - این را اگر تفکیک کنیم در واقع وزارت جنگ باید دارای دو عامل باشد که یک عامل بکارهای فنی و بنگاههای



ارتش رسیدگی کند و یک عامل دیگر بکار بودجه و حکومتی، بهمین جهت هم هست که در تمام ارتش های دنیا یک عاملی در وزارت جنگ ایجاد کرده اند که ما آنرا ستاد ارتش میگوئیم که عامل فنی در وزارت جنگ است بهمین دلیل هم هست که در تمام کشور ها بعد از ایجاد این عامل فنی و دستگاهی که تهیه شده ممکن است وزیر جنگ غیر نظامی باشد و اگر وزیر جنگ غیر نظامی باشد یک عامل نظامی وجود دارد که کارهای فنی را حل میکنند (صحیح است) این عامل امروز وجود دارد اما راجع به ارتباط این

آقای سرتیپ هدایت کبیر وزارت جنگ در کابینه دوم ساعد

عامل با وزارت جنگ و موضوع فرمان اعلی حضرت همایون شاهنشاه ستاد ارتش جزو وزارت جنگ است و یکی از ادارات تابعه وزارت جنگ بشمار میرود از این حیث هم هیچ اشکالی وجود ندارد و شاید مدتی است که این اشکال هم بخودی خود مرتفع شده است لذا از این حیث وزارت جنگ هیچ اشکالی ندارد و بنده این را اطمینان میدهم و صراحتاً بعرض آقایان نمایندگان محترم میرسانم که کلیه کارهای ارتش و ادارات و ستاد ارتش باید بوزیر جنگ پیشنهاد بشود و وزیر جنگ باید آنرا تصویب بکند و مسئولیت آنرا عهده دار شود. (صحیح است) قانون صریح است و در این مورد صراحت دارد

که وزیر جنگ مسئول امور وزارت جنگ است و در مقابل مجلس و در مقابل ملت مسئول است ولی قانون اساسی ما بطور صراحت ذکر کرده است که کلیه انتصابات، عزل، امتیاز، ترفیع و از طرف دیگر قانون نظام وظیفه بعضی مواد دارد، قانون دادرسی ارتش بعضی مواد دارد که تمام این قوانین علاوه بر قانون اساسی به تصویب مجلس شورای ملی رسیده است و این قوانین مملکت و وظائف وزارت جنگ را در مقابل مجلس و پادشاه معلوم کرده است و بهمین دلیل هم وزیر جنگ با کمال افتخار بعرض آقایان نمایندگان مجلس شورای ملی میفرساند که ما آن قوانین را کاملاً گذاشته ایم جلو را اجرا میکنیم بنابراین وزارت جنگ از نظر قبول مسئولیت پس از موافقت بایستی گزارشی را که در قوانین مصرح است بشرف عرض اعلیحضرت همایونی برساند و ما مسلماً این قوانین را همیشه محترم می شماریم.

### نطق نماینده اول طهران

بعد از بیانات آقای سر تیب هدایت کفیل وزارت جنگ، نماینده اول طهران پیشنهاد نمود که صورت تقسیم وجود را بمجلس شورای ملی تقدیم کنند و از این پیشنهاد مقصودش این بود که باز در باب مسئولیت وزراء گفتگو و مذاکره شود، اینک بنقل قسمتی از نطق ایشان که مربوط باین موضوع است میپردازیم: (از شماره ۱۳۲۹ مجله مذاکرات مجلس شورای ملی صفحه ۱۲۶۸ تا ۱۲۶۹)

دکتر مصدق - البته همه آقایان توجه دارند که بنده در خود این پیشنهاد توضیحات زیادی ندارم ولی در مقدمه پیشنهاد یک توضیحاتی عرض می کنم که در صلاح مملکت است آنهم از نظر یک مذاکراتی که اینجا شد و میترسم که بعد سوء تفاهم بشود اگر اجازه میفرمائید عرض کنم:

نمایندگان - بفرمائید، بفرمائید.

در ضمن پیشنهاد آقای امیر تیمور، آقای کفیل وزارت جنگ فرمایشاتی فرمودند و بیاناتی کردند، بنده میخواهم اینجا عرض کنم که من در این مجلس از همه شاه را بیشتر دوست دارم، برای اینکه شاه کسی است که بنده را از زندان بیرجند خلاص کرد و اگر شاه نبود من در آنجا تلف شده بودم.

من خدا شامد است که هیچگونه نظری ندارم و امروز اگر من نماینده هستم نه برای خاطر شاه است بلکه برای خاطر مملکت است، من خودم را برای مملکت میخواهم نه برای شاه و شاه را هم البته برای این مملکت میخواهم پس این هر ابضی را که میکنم توجه بفرمائید که نظری ندارم و فقط از نظر خیر مملکت است:

شاه بموجب قانون اساسی مسئولیتی ندارند و بهیچوجه من الوجوه در امور مملکتی حق دخالت ندارند (صحیح است) برای چه، عرض میکنم برای خاطر خود شاه (صحیح است) اگر شاه مسئول شد شخص مسئول باید برود اما وقتی که شاه مسئول نشد شاه میباید و